

(شرح ذیل خوانده شد)
 ماده اول - هر قسم علامت از رقم و حرف و عبارت و یا نقش که برای امتیاز و تشبیه یک محصول صنعتی و یا یک شیئی و یا مؤسسه تجارتي بکار رود علامت صنعتی و تجارتي شناخته خواهد شد.
 مهذا غلام ذیل را بجای علامت صنعتی و یا تجارتي نمیتوان بکاربرد
 ۱ - بیرقهای ایران و خارجه - علامت مملکتی (شیر و خورشید) انواع نشانها و مدالهای دولتی ایران و خارجه نقشهای ترکیبی شییه بیرقهای مختلفه ایران و خارجه انکهای مخصوص دولتی
 ۲ - راجع به نقشهای ترکیبی شییه بیرقهای مختلفه ایران که قبل از تصویب این قانون استعمال شده است در صورتیکه تا پنج ماه پس از تصویب این قانون ثبت برسد اجازه داده خواهد شد.
 ۳ - علامتی که متحمل اختلال انتظامات عمومی و برخلاف حسن اخلاق و یا موهوم گرامی مردم و یا تولید رقابت غیر عادلانه بشناید.
 ۴ - علامتی که مرکب باشد از ارقام یا کلماتیکه معمولاً کیفیت و یا کیفیت و یا نوع مال التجاره را مشخص میدارد و یا عبارتست از اسامی مختلفه جغرافیائی
 ۵ - بانواع علامت مذهبی و علامات هیئت ها و مؤسسات رسمی مانند شیر و خورشید سرخ و هلال و یا صلیب احمر و یا نظائر آن
 رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
 ارباب کیخسرو - اینجا چون در قسمت اول نقش را داخل کرده اند و می شود دو قسم تقسیم کرد یک نقش است که بر روی جنس نقش میکنند و یک نقش است که برای علامت صنعتی استعمال میکنند یک وقتی برای علامت صنعتی بکار می برند مثلا یک نفری یک چیزی درست میکند با یک نقشهای مخصوص و روی آن پارچه علامت شیر و خورشیدی یا سایر نقشها را بکار می برد ولی مقصودش این نیست که این را علامت مخصوص امتیاز خود قرار دهد فقط میخواهد این نقش را روی جنس خودش بیندازد.
 در این صورت بنده گمان نمی کنم مامنی داشته باشد پس خوبست در اینجا آقای مغیر توضیح بدهند که مقصود از نقش چیست؟ تا بعد در موقع تفسیر اسباب اشکال فراهم شود.
 مغیر - در کیسیون در این باب مذاکره شد و بالاخره کیسیون معتقد شد که کسی نمی تواند علامت دولتی را بکار برد و باید آنها را محترم شمرد و نباید اجازه داد اشخاص علامت دولتی را خفیف کنند و موود استعمال قرار دهند.
 رئیس - آقای ضیاءالواعظین.

(اجازه)
 ضیاءالواعظین - بنده موافقم
 رئیس - آقای عبدالملک (اجازه)
 عبدالملک - بنده هم موافقم
 رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - از توضیحی که آقای مغیر دادند همچو معلوم شد که اگر کسی یک پارچه درست کند و بخواهد مثلا علامت شیر و خورشید یا سایر علامات بیرق ایران یا مدالهای معموله را در او نقش کند حق ندارد.
 اولاً این مسئله فلسفه و دلیل ندارد و ثانیاً اگر این اصل را از مجاری معموله دنیا اتخاذ کرده اند در هیچ جا هیچ و معمولی نیست و این ترتیب هیچ معنی ندارد آن شخص مخصوصاً برای اختصار میخواهد علامت ایران را روی پارچه اش نقش کند. اینکه میفرمایند علامت دولتی را نباید محترم شمرد بقیه بنده معنی احتیاط این است.
 روی کاغذ ها و یا کتبا و چیتها علامت دولتی را استعمال کنند و این استعمال از راه دوست داشتن و احترام است و بقیه بنده احترام در استعمالش است نه در ترکش. و بنده هیچ مانعی در استعمال و نقش این علامات نمی بینم.
 رئیس - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)
 ضیاءالواعظین - اینجا گویایک سوء تفاهمی شده که لازم است خاطر آقایان را به آن متوجه کنم فرق است بین نقشی که برای احترام بکار میبرند یا نقشی که برای علامت صنعتی استعمال میکنند یک وقتی است که بنده میخواهم یک تابلو یا یک پرده از انگهای رسمی یا از نشانهای قدیم و جدید دولت ایران ترکیب کنم و ترتیب بدهم و در خانه خود بالای میز خود بگذارم در این صورت البته بنده آزادم ولی یک وقتی است که بیرق ملی را میخواهم علامت صنعتی قرار بدهم البته این نمیشود.
 زیرا بیرق ملی ایران مال تمام افراد و فاطمه ملت ایران است و نمیشود یک نفر اختصاص دارد ولی در عین حال همان طور که آقای ارباب فرمودند ممکن است برای زینت پارچه روی چیت فرضاً پنجاه تا صورت شیر و خورشید که علامت بیرون ملی ایرانست نقش کنند اما باید دانست که این علامت صنعتی نیست.
 علامت صنعتی عبارت از نقشی است که صنعتگر یا تاجر نقشه اش را بوزارت فوائد عامه میدهد یک نسخه از آن باین کلیشه را بوزارت فوائد عامه میدهد در مجله وزارت فوائد عامه هم ثبت میشود و

در نتیجه هیچکس دیگر نمی تواند آن را استعمال کند پس فرست بین نقشی که برای زینت بکار میبرند یا نقشی که امتیاز داد میشود.
 رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
 ارباب کیخسرو - بعد از توضیحات آقای ضیاءالواعظین تصور میکنم مقصود بنده بعمل آمده است مقصود بنده این بود که امتیازیکه استعمال آن ممنوع است در این پارچه داده شود بلکه مقصود بنده تفکیک بین دوش بود و یک نقشی است که بصورت علامت تجارتي کسی میگیرد و آن منحصر است بخودش البته آن را بنده هم موافقم که باید منحصر و منع کرد ولی در ضمن ممکن است روی پارچه خودش یک نقشی از علامات ایران بیندازد این بطوریکه در همه جای دنیا هم نظیر دارد گمان نمیکنم مانعی داشته باشد پس مقصود بنده این مسئله از حالا معلوم شود تا در آتی در موقع تبیین چهار اشکال نشویم جمعی گفتند مذاکرات کافی است رئیس - پیش نهادهای رسیده قرائت می شود.
 (پیش نهاد آقای آقامیرزا شهاب به شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیش نهاد میکنم بجای پنج ماه پس از تصویب این قانون یک سال نوشته شود.
 رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)
 آقا میرزا شهاب همه ما می دانیم که در این مملکت وسایل اطلاع خیلی کم است به این واسطه بنده پنج ماه را خیلی کم میدانم بخصوص بامدتی که برای نوشتن مواد نظامنامه این قانون در نظر هست که شاید خود این کار دو ساله نیم طول میکشد آن وقت نتیجه این میشود که هر صنعتگر یا تاجر که برای خودش یک علامتی انتخاب کرده است بمناسبت اینکه این قانون با اطلاع او رسیده پنج ماه هم از زمان تصویب آن گذشته است از این جهت تمام علامات آنها لغو خواهد شد.
 بلاوه عقیده بنده این است که باید در این جا نوشته شود (پس از تصویب و اعلام) زیرا این قانونی که تصویب میشود فردا ممکن است در کشو میز وزیر بماند و هیچ کس هم از آن مطلع نشود و برای صاحبان علامت صنعتی اسباب زحمت فراهم گردد از این جهت بنده یکسال را بیس نهاد کردم.
 مغیر - چون کلمه اعلان مکرر در اینجا گفته میشود بنده باید عرض کنم که قانونی که از مجلس گذشت باید قوی تر و موقع اجرا گذاشته شود و برای اینکه اعلان

نشده است نباید قانون را اجرا نکرد و هیچ کس هم حق ندارد قانون را در کشوی میز نگاهدارد اما راجع به یکسال در کیسیون هم مذاکره شد ولی کیسیون نتوانست قبول کند حالا اگر آقای پیش نهاد خود را پس بگیرند و مدت کمتری پیشنهاد کنند بنده هم میتوانم بجای پنجاه شش ماه را قبول کنم.
 رئیس برای گرفته میشود بقابل توجه بودن اصلاح پیشنهادی آقای آقا میرزا شهاب آقایانیکه تصویب مینمایند قیام فرمایند.
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد.
 پیش نهاد آقای طهرانی قرائت میشود.
 (به این مضمون خوانده شد)
 این بنده پیشنهاد میکنم که بعد از نمیتوان بکاربرد این عبارت اضافه شود ولی استعمال آن نه بعنوان علامت صنعتی و تجارتي ممنوع نیست. محمدعلی طهرانی.
 رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
 آقای ضیاءالواعظین طهرانی - عین عبارت را میخوانم و فلسفه پیشنهاد خود را عرض میکنم عین عبارت این است مهذا علامت ذیل را بجای علامت صنعتی یا تجارتي نمیتوان بکار برد.
 این پیشنهادی که مجلس شد بعضی از افعال دولت گمان کردند که استعمال شیر و خورشید ممنوع است از این جهت به بعضی از دکا کین ریخته و متجاوز از سه چهار هزار تومان یا کمتر یا بیشتر اثاثیه مردم را برده اند ولی وقتی که این عبارت پیشنهاد بنده اضافه شد عمال دولت میفهمد که استعمال شیر و خورشید با چیز دیگری که در این جا ممنوع است فقط بعنوان علامت صنعتی ممنوع است نه اینکه مطلقاً ممنوع باشد و اگر این عبارت در این جا اضافه شود ممکن است برای عمال دولت مشتبه شده و اسباب زحمت مردم را فراهم کنند چنانچه حالا هم کرده اند پس اگر عبارت این طور نوشته شود بجای علامت صنعتی یا تجارتي نمیتوان بکار برد ولی استعمال آن نه بعنوان علامت صنعتی و تجارتي ممنوع نیست رفع اشکال میشود.
 مغیر - خیلی مشکل است این کلمه قبول شود ماده بطور کلی میگوید علامت ذیل را نمیتوان بکار برد و اگر این جلالین عبارت را که میفرمایند اجازه بدهم نوشته شود مثل این است که اجازه بدهم علامتی را هم که متحمل اختلال انتظامات عمومی و برخلاف حسن اخلاق و غیره باشد بکار ببرند آن وقت مثلا خیال میکنند عکس یک بت را هم میشود علامت صنعتی قرار داد

آقا شیخ محمدعلی - اختصاص بدهید به نقره اول.
 رئیس - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)
 ضیاءالواعظین - ماده خوب موضوع را تصریح میکند و اگر چیزی بگذاریم تکرار و اضافه است ماده صریحاً میگوید مهذا علامت ذیل را بجای علامت صنعتی و یا تجارتي نمیتوان بکاربرد البته بطور دیگر مانعی ندارد.
 رئیس - رأی گرفته میشود. به این اصلاح آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (ممدودی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه شد. ماده دوم قرائت میشود.
 (بشرح آتی قرائت شد)
 ماده دوم - هیچکس حق انحصار هیچ نوع علامت صنعتی و تجارتي را نخواهد داشت مگر اینکه قبلاً موافق مقررات این قانون علامت خود را رسماً به ثبت و وزارت تجارت رسانیده و اجازه استعمال آن را صادر نموده باشد.
 رئیس مخالفی ندارد؟
 جمعی از نمایندگان - خیر.
 رئیس - رأی گرفته میشود موافقین ماده دوم قیام فرمایند.
 (مده کتیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود.
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده سوم - هر تاجر و باصنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و با وسیله و کمال ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبور را با اندازه حقیقی در سه نسخه با ضاء و مهر خویش به انضمام یک قطعه کلیشه آن علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع و طرح آن علامت و اسامی و اوصاف اجناسی که آن علامت روی آنها بنام خواهد رفت بسه وزارت تجارت تقدیم نماید.
 اندازه علامت در هر حال نباید از یک عشر ذرع مربع بزرگتر باشد.
 تیسر و اول - علامتانی که سابقاً معمول بوده اند هر گاه از یک عشر ذرع هم متجاوز باشند با رعایت ماده هفت پذیرفته میشوند.
 تبصره دوم - نسبت به اجناس جدیدی که در اظهارنامه ذکر از آنها نشده است صاحب علامت در صورتی میتواند علامت خود را استعمال نماید که به موجب اظهارنامه گانه متضمن اسامی و اوصاف اجناس از بوزارت با اطلاع و وزارت تجارت رسانیده و اجازه تحصیل کند.
 رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
 آقای ضیاءالواعظین طهرانی - در این عبارت می نویسد «و مهر خویش» به انضمام یک قطعه

کلیشه آن علامت به وزارت تجارت تقدیم نمایند.
 اگر چه بنده نباید معنی کلیشه را بدنام زیرا اصلاح فارسی نیست ولی از اهل علم که پرسیدم ترجمه کردند که کلیشه عبارتست از صفحه فلزی که آن را گراور کرده یا کنده اند.
 گاهی اتفاق می افتد که یک کلیشه صد تومان برای ارباب تجارت و صنعت تمام میشود و اگر بنا باشد کلیشه را بوزارت تجارت بیاد (ممکنست وزارتخانه از روی یک مصالحی باو اجازه ندهد آن وقت صد تومان بیک بیچاره پیشنهاد کننده ضرر وارد می آید چون وقتی که نقشه را به وزارتخانه بردند از روی آن نقشه باید تکلیفش را معلوم کنند و تکثیر تقاضا کنند باید دو کلیشه تهیه کند یکی را بوزارت خارجه بفرستد یکی را برای خود نگاه دارد بنده گمان میکنم محتاج ببردن کلیشه نیست و همین که صورت نقشه را بوزارت فوائد عامه ببرد تا قسمت از این جهت تقاضا دارم سه نسخه کلیشه اصلاح شود.
 مغیر - در خارج بعضی از آقایان بنده اعتراض کردند که در مغیر زیاد دفاع میکنم باین جهت عرض میکنم چیزی را که در کیسیون مذاکره زیاد شده و اکثریت اعضاء کیسیون بان رأی داده اند البته وظیفه مغیر اینست که از آن دفاع کند بنده اگر بخواهم نظریه تمام آقایان را مورد توجه قرار بدهم آن وقت با آن رأی قطعی که در کیسیون داده شد مذاکرات دارد و از این جهت بنده در مغیر تصور نمیدانم و وظیفه مغیری خود را انجام نداده ام پس اگر بنده با نظر به آقایان علامت می کنم هر بوطه عقیده شخصی نیست بلکه دفاع از رأی کیسیون است ولی البته برای مجلس قاطع خواهد بود.
 راجع به کلیشه هم در کیسیون مذاکرات زیادی شد.
 آقای ارباب حضور داشتند وزیر فوائد عامه هم بودند بالاخره قرار شد که باید کلیشه را به وزارت فوائد عامه بدهند چون در تومانی که بدولت بیشتر نمیدهند دولت نمیتواند صد تومان برای طبع آن علامت در مجله خودش خرج کند و کلیشه بسازد از این جهت لازمست کلیشه را به وزارت فوائد عامه ببرد.
 بعضی از آقایان بنده فرمودند چیزی که کلیشه ندارد بطور کلیشه آن را به وزارت خانه تسلیم کنند البته چیزی که کلیشه ندارد فقط بردن نقشه آن کافیه است یا بعضی چیزهای دیگر که اصلاً اهمیتی ندارد میتوان نقشه تنها اکتفا کرد و اگر همچو پیشنهادی بشود که چیزی که کلیشه ندارد نقشه آن را بوزارت فوائد عامه ببرند بنده قبول میکنم اما چیزی هستی که مهمست و کلیشه دارد نمیشود نقشه تنها اکتفا کرد و باید

یک قطعه از کلیشه آن را بدولت بدهند.
 رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
 ارباب کیخسرو - فرمودند در کیسیون با حضور وزیر فوائد عامه مذاکره شده قبول نکردند بنده چون رفتم دیگر نمیدانم چه مذاکره شد ولی بهر صورت مذاکره شد که ممکنست نظریات در مجلس پیشنهاد شود.
 از آقایان استدعا دارم قمری دقت و توجه فرمایند. خیلی از قوانین به عجله وضع شده و حالا چهار مضرشان شده ایم دادن کلیشه بوزارت فوائد عامه چندین مضر است دارد کوچکترین مضرش اینست که کسی که میخواهد کلیشه بسازد باید دودنه پول بدهد و حال آنکه اگر همان اندازه نقش با عکس آن را در سه نسخه تهیه و مهر کرده به وزارت خانه بدهد کفایت میکند.
 ثانیاً فرض کنیم بنده تاجر و کلیشه را هم ساختم بخواه اعتبار به وزارت خارجه بدهم؟ کلیشه برات یا کلیشه اسکناس را نمیتوان بدست وزارت خانه بیاورد بگریز داد و باید در دست خود شخص باشد.
 از این جهت بنده تصور میکنم به همان اندازه کلیشه عکس با نقش او را مهیوراً بدهند کفایت ولی راجع به نقش در روزنامه هر وقت وزارت فوائد عامه بخواهد نقش کلیشه را در روزنامه طبع کنند ممکنست با حضور خود صاحب کلیشه چاپ بکنند که بطور غلط استعمال نشود بقیه بدهند بدستش. ملاحظاتی ضروری اساسی و مادی هر دو را باید کرد و آن وقت رأی داد.
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقای آقا سید یعقوب - این مسئله آقای ارباب فرمودند آن روز هم تشریف داشتند و همین مذاکرات شد و صحبت به اینجا ختم شد که این گزارش بیشتر است برای مردم صنعتگر و تاجر که در چاپ کردن علامت در مجله بیاید بنشیند کلیشه او در مجله چاپ بکنند بعد بگیرد ببرد بواسطه اینکه اگر کسی که امتیاز می گیرد در ولایات باشد بطور می تواند کلیشه خود را بیاورد در وزارت فوائد عامه نشان بدهد که چاپ بکنند پس آن طریق را که در قانون نوشته فرمودند ضرر دارد چرا ضرر دارد؟
 آخر کسی که میخواهد اجازه انحصار علامتی را تحصیل کند برای اینست که از آن تجارت نامی بلند بکند و فایده ببرد و البته ملاحظه نمایی را کرده که میخواهد علامتی را بخود تخصیص بدهد دیدگری مداخله در آن نکند.
 پس وقتی که میخواهد در تحت اسم این علامت و این اختصاص ترقی بکند و استفاده بکند اگر پنج مصلحت تومانی ضرر هم بکشد اهمیتی ندارد.

دولت که تجار را مجبور نمیکند بروند اجازه اختصاص و انحصار علامت بگیرند.
 بنده خود برای اهمیت تجار را برای فایده بردن از صنعت میخواهم بروم علامتی را بگیرم (من لئانه لغتم فلهیه القرم) من که نمی را برای خودم در نظر گرفته ام با اختیار خودم و با اطلاع از قانون میوم این کار را میکنم دولت هم که نمی خواهد ضرری نسبت بتجار متوجه کرده باشد تاجر با تصور منافی بیل خود می خواهد این اجازه را بگیرد لئانش را هم باید بدهد نمیخواهد امتیاز انحصار بگیرد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم قانون علامت صنعتی و تجارتي این قسم نوشته شود:
 ماده سوم - هر تاجر و یا صنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و با وسیله و کمال ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبوره را با اندازه و مهر خویش و حقیقی در سه نسخه با ضاء و مهر خویش و اظهارنامه الی آخر.
 رئیس - فرمایند.
 ارباب کیخسرو - بنده گمان می کنم توضیحاتی که دادم کافی باشد فقط برای تاجری که در یک ولایت شقوق متعدده موجود است.
 اولاً ممکنست کلیشه را نزد وکیل و امین خود در طهران بفرستد و او ببرد به وزارت خانه.
 ثانیاً ممکنست اورانی از روی کلیشه خودش بقدری که دولت می خواهد در ضمن مجله بگذارند چاپ کند و بفرستد بوزارت فوائد عامه که در آنجا ضمیمه نمایند.
 بهر صورت عرض میکنم کلیشه هم حکم مهر ندارد و هیچ صاحب مهری مهر خودش را دست غیر نمیدهد.
 رئیس - رأی می گیرم بشایب توجه بودنش.
 آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
 (اکثر نمایندگان قیام کردند)
 رئیس - قابل توجه شد.
 بعضی از نمایندگان - تفسیر بدهید.
 رئیس - یک پیشنهاد دیگر هست رأی میگیرم بدتفسیر داده میشود (پیشنهاد آقای دامغانی بشرح آتی خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود:
 «باضاء یا مهر خویش به انضمام»
 الی آخر
 شریتمدار دامغانی - با مقصود بنده تصور میکنم کیسیون موافق باشد و فقط

گمان میکنم این پیشهاد را اصلاح عبارتی باید دانست زیرا در اینچنان نوشته باامضاء و مهر و این همچو میرساند که هم مهر لازم است هم امضاء و این ترتیب در این مملکت که بر حسب ترتیبات تجدیدی مهر متروک شده است اشکال خواهد شد.

چون يك قسمت از مردم ابدأ خط ندارند فقط مهر دارند در اینصورت قادر باامضاء نیستند.

يك قسمت هم مهر ندارند و اصلا امضاء میکنند و محتاج به مهر نیست.

از این جهات بقرینه بنده باید نوشته شود بهر امضاء و این گمان میکنم اصلاح عبارتیست.

مخبر - چون در این ماده يك پیشهاد قابل توجه شده است و رأی گرفته نمیشود استعما میکنم این پیشهاد را هم مراجعه بفرمایند بکسیون.

دامغانی - رأی بگیریید ملکت الشراعه قبول کردند دامغانی - بسیار خوب رئیس - با تنفس کسی مخالف نیست؟ (گفتند خیر)

در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید

رئیس - ماده چهارم لایحه علامات صنعتی و تجارتی (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - اظهارنامه هر علامتی که در حدود مقررات این قانون بوزارت تجارت پیشهاد میشود در دفتر مخصوص ثبت ذیل آن را اظهار کننده و مأموریکه متصدی ثبت است امضاء خواهند نمود

در صورتی که علامت متوسط و کلیل معرفی شده و کالات نام باصل اظهارنامه منضم گردیده و ضبط میشود

رئیس - کسی مخالف هست یا خیر؟ (گفته شد خیر)

رئیس - رأی گرفته می شود به ماده چهارم آقایانی که تصویب می کنند قیام بفرمایند (اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

ماده پنجم (بعضیون آنی خوانده شد)

ماده پنجم - ثبت هر علامت در دفتر فوق الذکر باید با رعایت مراتب ذیل بعمل آید.

اولاً - تاریخ روز و ماه و سال و ساعت ثبت و صدور اجازه بوزارت تجارت تسلیم شده و ثبت شود که قبل از آن علامت معمول و متداول بوده است یا نباشد.

تبصره - اسنادیکه حق تقدم برای

انواع مال التجاره و یا معمول صنعتی که علامت مزبور برای امتیاز و تشخیص آن بکار خواهد رفت.

رایباً - تفصیل چگونگی علامت بطور اجمال و اینکه علامت بطور متعده و یا برجسته و یا مسطح در روی جنس نقش و یا طرح خواهد شد

خاصاً - مبلغ حق ثبت مأخوذ مطابق ماده نهم این قانون

صورت ثبت در دو نسخه نوشته شده يك نسخه با اظهار کننده و نسخه دیگر بقدرت وزارت تجارت برای ضبط داد خواهد شد در روی نسخه اصلی در دفتر و همچنین در روی هر يك از دو نسخه باید نقشه از علامات الصاق شود.

رئیس - کسی مخالف نیست (گفتند خیر) رأی گرفته میشود آقایانی که ماده پنج را تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده شش (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ششم - وزارت تجارت در صورتیکه ملاحظه نمایند که علامت پیشنهادی بواسطه شباهت کاملی که با علامت دیگر دارد مردم را با اشتباه خواهد انداخت از ثبت و تصدیق آن امتناع خواهد نمود.

رئیس - آقایان اخیر (اجازه)

اخگر - يك که زیاد دارد در صورتیکه ملاحظه نمایند که علامت (۰۰۰) يك (که) معبر - قبول میکنم.

رئیس - رأی میگیریم ماده ششم با حذف لفظ (که) آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده هفت: (اینطور خوانده شد)

ماده هفت - برای حفظ حقوق افراد نسبت بعلامات صنعتی و تجارتی که قبل از وضع این قانون استعمال مینموده اند از تاریخ انتشار رسمی این قانون الی انقضای یکسال مهلت داده میشود که کلیه دارندگان علامت صنعتی و تجارتی در صورتیکه به انحصار استعمال علامت خود در مملکتی مایل باشند علامت مزبور را بوزارت تجارت معرفی نمایند.

اجازه استعمال هیچ گونه علامتی صادر نخواهد شد مگر پس از انقضای مدت يك سال مهلت فوق الذکر و با رعایت شرایط ذیل . اول علامت موافق مقررات این قانون باشد . دوم - عین و یا شباهت علامت صنعتی و تجارتی دیگری که در مدت مهلت برای ثبت و صدور اجازه بوزارت تجارت تسلیم شده و ثبت شود که قبل از آن علامت معمول و متداول بوده است نباشد.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - مخالفم .

علامات صنعتی و تجارتی ثابت می نمایند عبارت از قوانین و احکام دولتی ایران . در صورت فقدان نوشتجات رسمی اسناد و تصدیق نامه هاییکه تقدم استعمال علامتی را ثابت نماید . در هر حال اسناد رسمی او الویت خواهد داشت .

رئیس - آقایان اخیر (اجازه)

اخگر - يك اصلاح عبارتی اینجادارد «اسنادی که حق تقدم برای علامات صنعتی و تجارتی ثابت مینمایند عبارتست از قوانین و احکام دولتی ایران در صورت فقدان نوشتجات رسمی الی آخر» این جا بین این دو جمله يك (واو) لازم دارد احکام دولتی ایران «و» در صورت فقدان نوشتجات الی آخر

مخبر - واو نمیخواهد . دو جمله است .

رئیس - آقایان تهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - این عبارت قهره دوم را که نوشته «عین و یا شبیه علامت صنعتی و تجارتی دیگری الی آخر» چون در ماده سوم پیشهاد آقای ارباب قابل توجه شد که کلیشه بوزارت فوائد عامه داده نشود باید طوری بنویسند و عبارت را بشکلی اصلاح کنند که کلیشه را استثناء کنند .

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - پیشهاد آقای ارباب که در مجلس قابل توجه شد و بکسیون مبرود سعت فرمایش آقای طهرانی را ايجاب نمیکند در صورتی هم که بنا باشد کلیشه بوزارت فوائد عامه داده نشود این عبارت بجاست و چیزی راجع بکلیشه در اینجا نیابستی توضیح داده شود وقتی که نقشه بوزارت فوائد عامه داده شد و وزارتخانه تصویب کرد و صاحب علامت امتیاز گرفت دیگر هیچ کس حق ندارد عین یا شبیه آنرا بسازد.

شیخ چه چیز را؟ عین یا شبیه آنچه را که در وزارت فوائد عامه موجود است و در مجله رسمی منتشر میشود نمیتواند استعمال کند ولی اینجا در سطر چهارم از ماده هفت يك زیاد دارد .

کلیه دارندگان علامت صنعتی و تجارتی در صورتیکه با انحصار استعمال علامت خود در مملکتی مایل باشند . . . این در مملکتی باید در مملکت شود در صورتی که با انحصار استعمال علامات خود در مملکت مایل باشند .

رئیس - رأی گرفته میشود بساده هفت

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - مخالفم .

رئیس - باچه مخالفید ؟

شیخ الرئیس - با حذف یا رئیس - بفرمایید

شیخ الرئیس - ممکن است که یکی از تجار مادر مملکت دیگر باشد مثلا در هندوستان است بنا به سبب ایرانی بودن میخواهد به این ترتیب اجازه انحصار علامت بگیرد یا تنباکو فروش است در مصر میخواهد اینطور علامت بگذارد پس در مملکتی بهتر است

ضیاء الواعظین - اجازه بفرمایید توضیح عرض کنم

رئیس - (خطاب به شیخ الرئیس) - اصل راپورت کمیسیون اینجا هست و مملکتی نیست

شیر وانی - در نسخه بنده مملکت دارد .

مخبر - در طبع ثانی اشتباه شده است .

رئیس - رأی گرفته میشود ماده ۷ بانبدیل مملکتی ب مملکت آقایانی که ماده هفتم را باین ترتیب تصویب می نمایند قیام نمایند (جمع از نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۸ قرائت می شود (اینطور قرائت شد)

ماده هشتم - در صورتیکه دارنده علامتی بخواهد علامت خود را بدیگری انتقال دهد باید بموجب اظهارنامه مراتب را با اطلاع وزارت تجارت رسانیده نام و نشان شخصی جدید را ذکر و تحصیل اجازه مخصوص کدر ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد بنماید

در صورت فوت صاحب علامت صنعتی و تجارتی صاحبان قانونی آن علامت مزبور را کماحقا السابق معمول مینمایند فقط باید بموجب اظهار نامه که اسناد مربوطه نیز بآن منضم باشد مراتب را در مدت شش ماه باستحضار وزارت تجارت برسانند

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - موافقم

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدلین - در ماده هشتم سطر سوم می گوید نام و نشان شخص جدید را ذکر این عبارت عوامانه است مقصود از نشان اوصافست؟ علامت مزبور آن شخص است؟ چیست بنده تصور میکنم این کلمه نشان اینچا زائد است مگر اینکه نشان بقصود شخص باشد

مخبر - این اهمیتی ندارد ممکن است بجای نام و نشان اسم بگذاردید .

بگذاردید .

رئیس شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس بنده با نام و نشان موافقم

رئیس - آقای مخبر عبارت نام و نشان را مسترد داشتند و بجایش اسم گذاشتند

شیخ الرئیس - باین اصلاح مخالفم زیرا نام و نشان خیلی لفظ صبیح خوبی است و علاوه فارسی ساده و در اشعار شعرا و فصحا عبارات ادبانه و بلغام هست من نمی دانم چه اشکالی داشت که آقای مخبر پس گرفتند و بجایش اسم پیشهاد کردند و چه جهت دارد

آقای تدین ایراد میکنند مقصود این است که اسم و شهرت و آدرس او را بنویسند که بدانند کی است و کجا است تا هر وقت خواستند باو مراجعه کنند بتوانند و نام و نشان واقعی باین مقصود هست و بنظر بنده خیلی خوب لغتی هم هست و باید باشد و اسم کافی نیست

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده هم با نام و نشان موافقم و اسم مخالفم نام نشان مثل اسم و رسم است باید اسم او را و اینکه چه سن دارد در کجا متوطن است آدرس چیست اینها اطلاع بدهند نام و نشان لغت مرکی است و هیچ عیب ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدلین یوش یوش کار میکند به استدلال از عبارات ادبانه و غیر ذلك اما التفات نفرمودند برایش بنده عرض کردم مقصود از نام و نشان کدر يك چیز است و از نام و نشان روی هم رفته اسم او را قصد کرده اند این عبارت صبیح نیست و اگر مقصود از نشان علامت مزبور او است که اصلاحاً فرقی میکند

اگر بخواهید تشریف ببرید از وزارت خارجه يك تذکره بگیرید آنجا نشان شخص يك بطور مخصوصی است قدش چه طور ابرویش چشمش و علامت و نیاقه اش چه طور است . . .

ملك الشعراء - آن نشانه آنست نه نشان

تدلین - اگر نشان يك تاجر را بگیرید ملامت مزبوره اوصاف خانه و منزل و سن او مقصود است

پس التفات بفرمایید اگر دو تا است این کلمه نشان بقرینه بنده کافی نیست و باید ذکر کنید اسم و رسم و اگر یکی است نام و نشان لفظ است و بنده پیشهاد می کنم بجای نام و نشان اسم و رسم بگذارد

مخبر - بنظر بنده این موضوع و آقایان زیاد تفصیل دارند مقصود این است که اسم و آدرس معلوم و بعضی جزئیات دیگرش را بگوید اگر میخواهید همه این ها را ذکر کنید

خواهش میکنم يك ماده در از تر بنویسند پیشنهاد کنید

البته هر کس که میخواهد بکنند را که طرف او است بوزارت خانه معرفی کند میدانند چه طور معرفی کند و این جزئیات را هم می نویسند و بنده جدیدی در هیچ يك از دو موضوع ندارم و چون آقایان نام و نشان را بهتر می دانند همان نام و نشان باشد و بنده دیگر پیشنهادی نمی کنم در هر حال این مناقشه عبارتی است و در اصل موضوع فرقی نمی کند

رئیس - اسم را پس گرفتید .

مخبر - بلی همان نام و نشان باشد .

رئیس آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - در آخر سطر چهارم این ماده هشتم بنویسند در ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد بنماید

این عبارت ناقص است و درست مفهوم نمیشود خواهش میکنم آقای مخبر توضیح بدهند تا معلوم شود

ضیاء الواعظین - يك واو لازم دارد .

مخبر - ثبت قید خواهد شد

رئیس شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

تدلین یوش یوش کار میکند به استدلال از عبارات ادبانه و غیر ذلك اما التفات نفرمودند برایش بنده اسم عرض داشتم حالا که پس گرفتید هیچ

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - من ناچار شدم يك کلمه خدمت آقای تدین عرض کنم (صورت مجلس ثبت) است آن وقت نام نشان يك کلمه واضح و زبان فارسی هم هست خیلی هم خوب است ما حتماً باید همیشه کلمات عربی بکار ببریم و کلمات فارسی را استعمال نکنیم؟ آخر چه عیب دارد که موفق بشویم بتدریج کلمات فارسی را متداول کنیم از این جهت خواستم عرض کنم که اشکال نکنند

رئیس آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - اینجا آقای سهام السلطان درست ملتفت نشدند و آقای مخبر هم اشتباه کردند مقصود این است که در ظهر صورت مجلس ثبت قید شود اگر ثبت قید شود چیز مهمی خواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - گمان می کنم اصلا عبارت فارسی نیست اینک فرمودید بدتر شد و هیچ فهمید نشد میگوید (تعمیل اجازه مخصوصی که در ظهر ورقه صورت مجلس قید خواهد شد بنماید) اگر واواضافه کنید بانکتید هیچکدام مفهوم نیست خواستم آقای مخبر طوری این را اصلاح بفرمایند که معنی از آن مفهوم شود .

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدلین - بنده مخالفم .

رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - خواستم عرض کنم اگر همان واو را اضافه کنید صحیح میشود و غیر از آن معنی نمیدهد

رئیس - آقای تدین

تدلین آقای آقاسید یعقوب در غیر موقع گفتند این کلمه نشان فارسی است میدانم فارسی است این ماده هشت هم فارسی است

سهام السلطان - در آخر سطر چهارم این ماده هشتم بنویسند در ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد بنماید

این عبارت ناقص است و درست مفهوم نمیشود خواهش میکنم آقای مخبر توضیح بدهند تا معلوم شود

ضیاء الواعظین - يك واو لازم دارد .

مخبر - ثبت قید خواهد شد

رئیس شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

تدلین یوش یوش کار میکند به استدلال از عبارات ادبانه و غیر ذلك اما التفات نفرمودند برایش بنده اسم عرض داشتم حالا که پس گرفتید هیچ

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - من ناچار شدم يك کلمه خدمت آقای تدین عرض کنم (صورت مجلس ثبت) است آن وقت انتقال در ظهر ورقه «صورت مجلس ثبت» قید خواهد شد منتهی اگر از کلمه «کدر ظهر» تا «خواهد شد» این عبارت را «کدر ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد» بین الهالاین بگذاریم بهتر است و مقصود این است که این اظهار و تحصیل اجازه در ظهر صورت مجلس قید خواهد شد .

رئیس - آقای دست قیاب (اجازه)

دست قیاب - عرض ندارم .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب .

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده با توضیحی که آقای مخبر دادند موافقم و خواستم

عرض کنم . . .

رئیس - خوب موافق هستید بدانم مخالف صحبت کنید . آقای مدبر الملک . (اجازه)

مدبر الملک - به عقیده بنده خود آقای مخبر در ضمن توضیح تصدیق کردند که اینجا يك چیز زیاد است یا ثبت با قید و اگر در این مورد لطفاً خودشان قبول کنند «واو» اضافه شود بنیت و قید و یا اینکه اصلا ثبت را بردارند موضوع حل و اختلاف رفع میشود و پیش نهاد زیادی هم لازم نیست بشود .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده خوب آقایان را توجه میدهم که در عبارت وقت بفرمایند «بنماید» را خبر «تعمیل قرار میدهم بیشتر هم در يك ماده دیگر گفتند که مجلس نبتی هست . . .

نمایند گان با همه و خنده - آقا مجلس نبت چیست ! کجا چنین چیزی گفتند !

آقاسید یعقوب - بنده راهونکیه نگفتم مجلس نبت يك جایی است در مقابل مجلس سنا یا مجلس شوری و انجمن بلدی که نمایندگان منتخب ملت بیاند آنجا بنشینند که شما فی الفور میخواهید استفاده بکنید . در وزارت فوائد عامه جانی هست که علامت صنعتی را می برند موافق این قانون آنجا ثبت میکنند و آنجا باین اداره دفتری دارد که آن صورت مجلس ثبت است .

آن وقت در عبارت وقت بفرمایید و همان طور که عرض کردم «بنماید» را خبر برای «تعمیل اجازه» قرار بدهید يك جمله در این میان مینماید و آن عبارت « که در ظهر ورقه (صورت مجلس ثبت) قید خواهد شد عبارت را قدری دقت بفرمایند نه هیچ اشکالی دارد نه هیچ چیز زیادی نه هیچ مگر اینکه پیش نهادی دارید بکنید که مجلس رأی بدهد آن چیز دیگری است .

رئیس - چون ظهر شده است اگر صلاح بدانید بقیه مذاکرات در این قانون بماند برای بعد .

(جمع از نمایندگان صحیح است)

رئیس - مخالفی نداره (بعضی از نمایندگان خند)

رئیس - راجع بطرح آقای ضیاء الواعظین که در خصوص مدارس و کلاس های صنعتی پیشنهاد کرده بودند و کمیسیون متکرات تصویب کرده بود در ضمن تقاضای فوریت هم شده بود فراموش شدن نسبت به حالا رأی میگیریم .

(شرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون متکرات طرح قانونی

شاهالواظین و جمعی از نمایندگان محترم را راجع بتأسیس کلاس های صنعتی در مدارس ابتدائی مجانی و تبدیل کلاس های متوسطه چهار باب از ۸ باب مدارس متوسطه فعلی طهران را بکلاس های صنعتی مطرح مذاکره قرار داده و بانفاق آراء قابل توجه دانسته فوریت آن را اظهار و تقاضا می نمایند که به کمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در این باب با اساس این پیشنهاد مخالفتی ندارم با فوریتش مخالفت.

اول - بر طبق يك اصل از اصول قانون اساسی و همچنین يك ماده از مواد نظامنامه داخلی در هر طرح قانونی که پیشنهاد میشود باید نظر وزیر مسئول را جلب کرد و بنده نمیدانم در کمیسیون مبتکران این کار صورت گرفته است یا نه؟

علی ای دل این تذکر برای آقایانی است که در کمیسیون مبتکران عضویت دارند برای اینکه در تصویب لوایح قبلا نظر وزیر مسئول را جلب کنند والا ممکن است که اگر قبل از جلب نظر وزیر مسئول رأی بدهند و توجه مجلس را جلب بکنند مجلس هم قابل توجه بداند و رأی بدهد بقابل توجه بودن آن طرح بعد آن وزیر مسئول نباید در مجلس اذنه اقامه بکند و مجلس را متقاعد کند که آن طرح غلط بوده و آن وقت يك تضمینی در مقابل آراء مجلس میشود.

بنابر این لازم است کمیسیون مبتکران بطور کلی در هر مطلبی جلب نظر وزیر مسئول را بکنند حال در این جا جلب نظر وزیر مسئول شده است باننده است من نمی دانم چون نشده است بایستی کمیسیون مربوطه که طرح یا آنجا ارجاع میشود این کار را بکنند و چون این موضوع را مهم میدانم عجلایه بفرودتس نمیتوانم رأی بدهم که بیک شور اکتفا بشود.

بنابر این بنده پیشنهاد می کنم اگر تقاضای فوریتی هم باید بشود و اگذار کنیم بنظر کمیسیون معارف بعد از آنکه تبادل نظر با وزیر مسئول کردند اگر موافق بودند این عملی میشود و موجبات فوریت امر بنظر آنها رسید کمیسیون معارف مستکت در ضمن راپرتی که می دهد تقاضای فوریت بکند.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده هم با فوریت مخالفت ولی ادله فوریتش را هنوز نتکته اند چون مطلب مهم است خوبست ادله فوریت را بفرمایند تا مخالفت خود را بیان کنم.

رئیس - آقای سائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده هم با فوریت مخالفت دارم.

آقای شیخ فرج الله - بنده تذکر نظامنامه دارم.

رئیس - بفرمائید

آقای شیخ فرج الله - در ماده شصت و پنجم عبارتست که بقیه بنده شامل این موضوع میشود و میگوید:

(هیچ طرحی را که مستلزم ازدیاد مقررری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیش نهاد کرد و همچنین است طرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یا اشتغال یا وظایف بوده خواه باعث توسعه هر يك از این سه فقره خارج از حدود قوانین جاریه باشد با اعتقاد من این طرح طرح حسبت که مستلزم احداث تأسیساتك چیزهای جدیدی خواهد شد متعجب بودم و خبری نمیشود پس بدون اینکه از طرف دولت پیشنهاد شود نماینده نمیتواند پیشنهاد کند.

رئیس - خبر آقای این در صورتیست که مشغول مذاکره در قانون بودم یا بودم یک روز در ارتعاه استبد آن وقت در ضمن شور نمیشود طرحی پیشنهاد کرد.

ضیاءالواظین - بنده اجازه میخواهم بر طبق وظیفه مخبری خودم از این فرمایشات که فرمودند جواب عرض کنم . اجازه میفرمائید؟

رئیس - بلی بفرمائید.

ضیاءالواظین - در قسمتی که آقای تدین فرمودند کمیسیون مبتکران لازم است نظر وزیر مسئول را جلب کند در نظامنامه در ضمن موادی مخصوص وظایف کمیسیون مبتکرانست چنین ذکر شده است اگر در جای دیگر باشد خوبست بفرمائید.

بعلاوه کمیسیون مبتکران پیشنهاد کرده که این موضوع بکمیسیون معارف برود و احاطه کمیسیون معارف باین قسمت از کمیسیون مبتکران بیشتر است وزیر مسئول یا اعضای وزارتخانه ها و آتاهائی که صلاحیت دارند از طرف کمیسیون معارف دعوت میشوند و نظریات خودشان را می گویند در قسمت عملی بودن این موضوع هم بعد در جای خودش صحبت میشود که کاملاً عملی است.

در کمیسیون معارف که مطرح شد نظر وزیر معارف یا معاون پاسنسانی که در این قسمت اطلاعات و تخصص دارند کاملاً جلب میشود ولی نقطه نظر کمیسیون مبتکران راجع بفرودتس همانطور که حضرت والا شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند که توضیح داده شود.

اینست که پس از طرح این مسئله در کمیسیون معارف و جلب نظر وزیر مسئول و حصول موافقت نظر لازم است در این خصوص

نظری هم در پیرو گرام مدارس بشود تا ضمناً (مطابق فرمایش آقای آقا شیخ فرج الله) مستلزم بود چه خرج زیادی هم برای دولت نباشد و همینطور از بودجه معارف این کلاس های صنعتی دایر شود و از این نقطه نظر لازم بوده است که تجدید نظر در پیرو گرام فعلی مدارس بشود.

بنابر این مقدمات چون این مسئله مدتی در کمیسیون معارف و مجلس شورای ملی معطل میشود و در شورای عالی معارف و مقامات صالحه دیگر نیز تجدید نظر در این پیشنهاد بعمل می آید این کارها مدت زیادی لازم دارد کمیسیون مبتکران تقاضای فوریت کرد تا جریان آن معطل نشود.

تدین - اجازه میفرمائید بنده ماده قانون اساسی و نظامنامه را بخوانم رئیس - بدخالتی که در رأی ندارد اگر دارد بخوانید.

(بعضی از نمایندگان - راجع بفرودتس؟)

تدین - خبر راجع به جلب نظر وزیر مسئول است.

رئیس - بفرمائید

تدین - ماده چهار و دوم نظامنامه می گوید:

(اگر طرح قانون که از طرف نماینده پیشنهاد شده است راجع بیکي از وزراء مسئول باشد موافق اصل چهلم قانون اساسی باید آن وزیر را مطلع نمود که خود یا معاون او حاضر شده مذاکرات در حضور او بعمل آید).

اصل چهلم قانون اساسی هم اینست: (در موقع مذاکره و مذاقه لایحه مذکور در اصل ۳۹ چه در مجلس وجه در انجمن تهنیق اگر لایحه منور راجع بیکي از وزراء مسئول باشد مجلس باید به وزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً والا معاون او به مجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود).

اصل سی و نهم که است؟ این است: (هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضاء مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً ۱۰ نفر از اعضاء مجلس مذاکره آن مطلب را تصویب نمایند.

(بعضی طرح آن قانون) در این صورت آن عنوان کتیباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو ادر انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار دهد) انجمن تحقیق بقیه بنده کمیسیون مبتکرانست.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

تدین - آن وقت در اصل چهلم راجعه کرده است باین اصل سی و نهم و بالاخره

مقصود این است اموری که راجع بوزارت خانها در کمیسیون مبتکران (که این جا بلفظ انجمن تحقیق ذکر شده) مطرح میشود باید در حضور وزرای مشغول باشد و هیچ يك از وزراء در موقع شور نسبت به این طرح در کمیسیون مبتکران نبوده اند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است رأی بگیرد. مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم بفرودتس طرح آقای ضیاءالواظین راجع بکلاس های صنعتی آقایانیکه فرودتس را تصویب میکنند قیام فرمائید.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . چند فقره راپرت از کمیسیون مرخصی رسیده است قرائت میشود.

(خبر راجع بر مرخصی آقای صدرالاسلام بشرح آتی خوانده شد)

آقای صدرالاسلام نماینده محترم بواسطه کسالت عارضه يك ماهه کتیباً و تلگرافاً تقاضای تمدید مدت مرخصی نموده بودند کمیسیون پس از مشاوره تصویب مینماید که بیست روز دیگر بر مدت اجازه سابقه افزوده شد که پس از مبالغه حرکت فرمائید . تاریخ تمدید از اول میژن است .

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا یحیی دولت آبادی - بنده با کلیه اجازه نامهائی که بعد از این مجلس بیاید مخالفت مکرر اینکه حقوق خود را برای کار خیری واگذار کنند بجهت اینکه فکر يك وقتی را هم باید کرد که آن قدر اجازه طلبید تا بالاخره مجلس از اکثریت نرفته این است که بنده بطور کلی با اجازه نامه ها مخالفت.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد .

رئیس - رأی گرفته میشود بر مرخصی آقای صدرالاسلام آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمائید.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . راپرت مرخصی آقای دبیر اعظم قرائت میشود.

آقای دبیر اعظم نماینده محترم بواسطه رمد چشم که بتصویب اطباء متخصص فوراً باید تحت ملاحظه و عمل در آید چهار روزه استجاره مرخصی نموده بودند کمیسیون پس از مشاوره چهار روز را زائد دانسته يك ماهه تصویب مسی نمایند تا تاریخ غیبت از اوان تصویب است.

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شاهزاده شیخ الرئیس - بنده ملتفت نشدم اگر این مرخصی برای معالجه است طیب باید تشخیص بدهد که چند روز برای معالجه لازم است کمیسیون مرخصی

بچه مناسبت چهل روز را زائد و يك ماه تجویز کرده است گمان نمیکنم کمیسیون صلاحیت داشته باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانی که مرخصی يك ماهه ایشان را تصویب میکنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . راپرت مرخصی آقای مدبر الملک (شرح آتی خوانده شد)

آقای مدبر الملک نماینده محترم بواسطه ابتلای بدیابت و استسلاج آن يك هفته استجاره نموده بودند کمیسیون پس از مشاوره تصویب می نماید که در مدت مزبوره نماینده محترم غائب با اجازه ثبت شوند . تاریخ غیبت از اول میژن است .

رئیس - آقایانی که مفاد این راپرت را تصویب میکنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . بقیه راپرت ها میماند برای جلسه دیگر .

جلسه آتی روز ۳ شنبه ۳ ساعت نیم قبل از ظهر . دستور اولاً بقیه لایحه اعلام صنعتی .

ثانیاً لایحه وساطت قلبیه . آقای دامغانی راجع بدستور فرمایشی دارند؟

دامغانی - خیر خارج از دستور است .

رئیس - آقای سر کشیک زاده .

(اجازه)

سر کشیک زاده - در تعقیب بیاناتی که آقایان فرمودند بنظر بنده پیشنهاد آقای داور هم ترین مسائل است و بنده تقاضا می کنم جزء اول دستور جلسه آتی گذارده شود .

رئیس - رجوع میشود بشعبه ها از شب که برگشت جزء دستور گذارده میشود .

آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - بنده تقاضا میکنم شهریه مجد السلطان مستخدم معارف اگر راپرت آن از کمیسیون خارج رسیده است جزء دستور جلسه آتی گذارده شود .

رئیس - در صورتی که راپرت آن طبع و توزیع شده باشد جزء دستور می شود . آقای تدین .

(اجازه)

تدین - دو فقره راپرت از کمیسیون بودجه تقدیم شده است یکی راجع بوراک يك آزان متون و دیگری راجع به محمد هلی نام یکی از سواران گمرک است استعدا دارم مقرر فرمائید جزء دستور شود .

رئیس - در درجه چهارم مطرح میشود . آقای شیخ الرئیس

(اجازه)

مصدق هاشم میرزا شیخ الرئیس - راجع به تعمیر مقبره فردوسی اگر موقع است خوبست پیشنهاد آن جزء دستور بشود والا باشد برای جلسه بعد .

رئیس - میانند برای جلسه پنجشنبه . آقای سر کشیک زاده .

سر کشیک زاده - تقاضا میکنم لایحه وزارت عدلیه که به مقام محترم ریاست تقدیم شده آن جزء دستور شود . بلازمه خواستم سؤال کنم فرمودید پیشنهاد آقای داور به شب رجوع میشود؟

رئیس - بلی

سر کشیک زاده - پس تقاضا میکنم بفرمائید شب زودتر تشکیل شود

رئیس - شعبه ها پس فردا صبح قبل از تشکیل مجلس منعقد میشوند و مطالبه خواهند نمود .

آقای دامغانی .

(اجازه)

شریعتدار دامغانی - بنده می خواستم مسئله روضه خوانی مجلس را به مقام محترم ریاست تذکر بدهم .

رئیس - روضه مجلس راپست و هشتم و بیست و نهم و سلسله مقرر میدهیم .

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر حتم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

منشی - م . شهاب - منشی معظم - السلطان .

جلسه ۶۱

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه اول میژن ۱۳۰۳ مطابق ۲۳ شهر ظفر - المظفر ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس بیست و نهم سنبله را آقای میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - بنده در جلسه گذشته کتیباً تقاضای اجازه مرخصی از مقام ریاست کرده بودم و اجازه نامه بکمیسیون عرایض هم رفته بود با این حال بنده راقاب بی اجازه نوشته اند

رئیس - جمعی اجازه خواسته بودند شاید عذر موجه هم داشته اند تقاضا آنها بکمیسیون عرایض مراجعه شد ولی چون کمیسیون تشکیل نمیشود اظهار رأی نشده اداره مباشرت هم بر حسب تکلیف خودش غائب بی اجازه نوشته است ولی اینها کان لم یکن خواهد بود . که تازه این تقاضا فرستاده میشود بکمیسیون و تکلیفش برای جلسه بعد معین میشود . آقای سر کشیک زاده

(اجازه)

سر کشیک زاده - بنده این طور شنیدم که آقای وزیر فواکه عامه در جواب بنده فرمودند پیشنهادهای که رسیده تقدیم مجلس میشود

(اجازه)

سر کشیک زاده - بنده این طور شنیدم که آقای وزیر فواکه عامه در جواب بنده فرمودند پیشنهادهای که رسیده تقدیم مجلس میشود

واگر هم بعد برسد تقدیم میشود

رئیس آقای آشتیانی (اجازه)

آقای میرزا هاشم آشتیانی - عرض بنده راجع بهمان مسئله مرخصی بود که حضرت عالی فرمودید

رئیس آقای شریف زاده (اجازه)

شریف زاده - بنده هم در جلسه گذشته اجازه خواسته بودم خواستم تذکر بدهم چون فرمودید که بایستی در کمیسیون عرایض تجدید نظر شود دیگر عرضی نمی کنم .

رئیس - آقای آقا شیخ هادی شیخ الرئیس .

(اجازه)

شیخ الرئیس - بنده را در این جا جزء دبر آمدگان نوشته اند در صورتیکه بنده قبل از ساعت چهار بظهر آمده بودم

رئیس - آقای مشیرالدوله

(اجازه)

مشیر الدوله - عرض بنده هم راجع به همین مسئله بود دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده قبل از شروع بدستور عرض داشتم

رئیس - بفرمائید

روحی در چند جلسه قبل آقای دامغانی شرحی راجع با اجرای قانون البسه وطنی بیانی فرمودند متأسفانه منتج بنتیجه نشد بنده هم خواستم تذکر کنم .

بعضی از نمایندگان بلند تر بفرمائید روحی مقصود قانون البسه وطنی است که تاکنون در وزارت خانه ها بهیچوجه اجرا نشده و وزراء با فرط بی اعتنائی بقانون در مرکز نقل مملکت یعنی مجلس شورای ملی حاضر میشوند بدون اینکه

مجلس شورای ملی حاضر میشوند بدون اینکه لباس وطنی پوشیده باشند فقط این قانون در مجلس اجرا شده و کلاه و کلاه توانسته اند در باره خودشان اجرا کنند و اگر بنا باشد ما امروز قانون وضع کنیم و اجرا شود آن وقت مجلس مفهوم خارجی ندارد .

امروز روز اول میژن و سال سوم تدوین و تصویب این قانون است و جز در مجلس در هیچ جا این قانون اجرا نشده است تنها وزارتخانه که سعی در اجرای این قانون داشته است وزارت جنگ است که کلاه و کفش را هم قانون مستلزم کرده است علاوه کرده اند

در اینصورت عقیده بنده این است که سکوت در این کار که ما بنشینیم و قانون اجرا نشود يك مسئولیت بزرگی است و تخطی وزیری از اجرای آن هم يك گناه لاینفکری است یعنی يك تقصیر سیاسی است که قابل آمرزش نیست

بنابر این برای اینکه نتیجه از عرایض خود بگیریم و عرایض مؤثر واقع شود پیشنهادی تهیه کرده و تقدیم مجلس میکنم که از طرف مجلس بوزارت مالیه امر شود که بوسیله مفتشین اداری خود دروزارت خانها تقنیش و رسیدگی نمایند و این قانون را در مرکز و ایالات اجرا نموده جرائم مقرر در این قانون را در حقوق متغلبان در آخر برج کسر گذارند

رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

نظر باینکه جریان حوزه قضائی احتیاجاً شدید فوری بقوانین مخصوصه دارد که تأخیر وضع آنها بموجب اشکالات سیاسی و اقتصادی است و نظر باینکه طرح قوانین مزبوره در مجلس شورای ملی موجب تأخیر طولانی است و نظر باینکه قوانین عدلیه دارای اهمیت خاصه است که بقضای آنها باید از وضع دائمی آن نهایت دقت و امتحان ر امراعات نمود و نظر باینکه اساساً مجلس شورای ملی نسبت بوضع قوانین عدلیه رویه خاص را از دوره های تقنینه سابقه اتخاذ و مجری داشته است لهذا وزارت عدلیه برای اینکه مقدمه تدقیق و امتحانات عملی در قوانین مزبوره بعمل آید مقتضی میدانند که مجلس شورای ملی بکمیسیون عدلیه اختیار بدهد که کلیه قوانین راجعه به عدلیه را بعد از تدقیق تصویب نموده که بعضی از نمایندگان بلند تر بفرمائید

روحی مقصود قانون البسه وطنی است که تاکنون در وزارت خانه ها بهیچوجه اجرا نشده و وزراء با فرط بی اعتنائی بقانون در مرکز نقل مملکت یعنی مجلس شورای ملی حاضر میشوند بدون اینکه

مجلس شورای ملی حاضر میشوند بدون اینکه لباس وطنی پوشیده باشند فقط این قانون در مجلس اجرا شده و کلاه و کلاه توانسته اند در باره خودشان اجرا کنند و اگر بنا باشد ما امروز قانون وضع کنیم و اجرا شود آن وقت مجلس مفهوم خارجی ندارد .

امروز روز اول میژن و سال سوم تدوین و تصویب این قانون است و جز در مجلس در هیچ جا این قانون اجرا نشده است تنها وزارتخانه که سعی در اجرای این قانون داشته است وزارت جنگ است که کلاه و کفش را هم قانون مستلزم کرده است علاوه کرده اند

در اینصورت عقیده بنده این است که سکوت در این کار که ما بنشینیم و قانون اجرا نشود يك مسئولیت بزرگی است و تخطی وزیری از اجرای آن هم يك گناه لاینفکری است یعنی يك تقصیر سیاسی است که قابل آمرزش نیست

ماده واحد بوزیر عدلیه اجازه داده میشود کلیه قوانینی را که در دوره پنجم تقنینه مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا مینماید بهما تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بوقوع اجرا گذارده پس از آزمایش آنها در عمل و تکمیل نواقص ثانیاً برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند

رئیس - بالله که مذاکره نخواهد شد باید يك جائی مراجعه شود هر طور صلاح میدانید بفرمائید که شعبه بکمیسیون مراجعه شود

رئیس - آقای شیخ الرئیس زاده (اجازه)

شیخ الرئیس زاده - آقایان گویند فراموش کرده اند در موقعی که راجع بطلب مذاکره

میشد که ارجاع شعب شود بنامش لوایحی که بکمیسیون مخصوص مربوطه است بکمیسیون مراجعه شود این لایحه مربوطه بکمیسیون عدلیه است و مطلب هم نیست بنابراین باید بکمیسیون عدلیه مراجعه شود سابقاً مجلس هم این طور بوده است .

رئیس-آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب بنده موافقم بیک دلیل دیگر هم دارم اگر اجازه میفرمایند عرض کنم .

رئیس- آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده بنده مخالفم برای اینکه در این قضیه کمیسیون عدلیه ذی نفع است بنابراین بایستی شعبات مجلس در این موضوع نظر کنند و نظریات خودشان را اظهار کنند .

رئیس- ولی همچو سابقه که آقای شیخ العراقرین زاده اظهار کردند در این باره اگر بنا باشد این لایحه را تصویب کنند بکمیسیون برود کمیسیون عدلیه حاضر که این حق را نخواهد داشت .

آقای داوور (اجازه)
داوور - بنده با آقای شیخ العراقرین زاده موافقم .

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب بنده از فرمایش آقای حائری زاده تعجب میکنم کمیسیون ما امور هستند لوایحی که در آنها وارد میشود نظر کنند دیگر ذی نفع است معنی ندارد تمام مآهادر امور ملکتی ذی نفع هستیم هر لایحه مربوط به یک کمیسیون است و آن کسی هم که برای عضویت کمیسیون انتخاب شده است برای نظر کردن در آن لایحه باعتبار نظریات مجلس است رای با انتخاب او داده است گمان می کنم این مطلب را خودتان هم تصدیق بفرمایید این برای تذکر آقایان مخالفین بود که میگویند باید به شعب مراجعه بشود

آقا شعبه که ما مور نیست رایرت بدهد بنابراین این لایحه باید به کمیسیون مربوطه مراجعه شود و راپورت آن توسط مخبر کمیسیون تقدیم مجلس شود این ترتیب کمی معمول بوده است که مطلب به شعبه رجوع شود و راپورت آن از شعبه به مجلس بیاید و قاعدتاً باید به کمیسیون مربوطه رفته و مخبر کمیسیون نفی یا اثبات آن را به مجلس راپورت بدهد و من تصور میکنم این جا مورد نداشته باشد که شعبه مراجعه بشود .

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و بعضی دیگر می گفتند کافی

علامت خود را بدیگری انتقال باید بوجوب اظهارنامه مراتب را با اطلاع وزارت تجارت رسانیده نام و نشان شخص جدید را ذکر و اجازه مخصوصی که در ظهر ورقه صورت مجلس نیز ثبت و قید خواهد شد تحصیل نمایند

رئیس - رای گرفته می شود بقابل توجه بودن این پیشنهاد .
آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای طهرانی .
آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده مسترد می دارم

رئیس ماده نهم (شرح آتی قرائت شد)
پیشنهاد میکنم که بجای دو کلمه ثبت و قید فقط کلمه ثبت نوشته شود .
رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده اصولاً بیک عقیده دارم و آن این است که شاید بهتر باشد تمام پیشنهادها بیک مرتبه خوانده شود و آقایان از موضوع آنها مسبق بشوند والا بیک پیشنهاد خوانده میشود می بیند خوب است رای می دهد بحدیک پیشنهاد دیگر خوانده می شود می بیند آنهم خوب است ولی بیک فدری با آن که رای داده اند فرق دارد در این صورت تکلیف چیست این بیک تذکره است که اگر مقتضی باشد تمام پیشنهاد حتی الامکان از تکرار کلمات در صورتی که قائده مهمی بر آن تکرار مرتب نباشد باید اجتناب کرد توجه آقایان باین است که ثبت و قید شود و این دو کلمه مفهوم یک معنی است و همین دلیل بود که با اضافه او رای دادند بنا بر این تکرار هر دو کلمه در اینجا لازم نیست در صورتیکه مقصود از دو کلمه بیک معنی است از این جهت بنده پیشنهاد کردم کلمه قید حذف شود تجارت رسانیده نام و نشان شخص جدید را ذکر و اجازه بخصوص که در ظهر ورقه صورت مجلس نیز ثبت و قید خواهد شد تحصیل نماید در این صورت رفع اشکالی که آقایان داشتند خواهد شد

رئیس - آقایان که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند مدودی برخاستند
رئیس - قابل توجه نشد

تدین - همینطور میشود .
رئیس ماده نهم (شرح آتی قرائت شد)
ماده نهم - برای ثبت و تصدیق هر علامت مبلغ ده تومان و برای هر اظهارنامه مبلغ دو قران بصندوق دولت عائد و در مقابل تمبر مخصوص روی اجازه نامه و اظهار

نامهها الصاق خواهد شد
رئیس - آقای تدین .
آقای شیخ محمد علی طهرانی بنده در موقع شور اول نسبت باین ماده مخالفت کردم و حالا هم تائیداً اظهار مخالفت می کنم ؛ آقایان خوب است فرق بگذارند بین صنعت گر ایرانی و بین تاجر ایرانی مابک صنعتگرانی نداریم که برای ما تلن بسازند با تلگراف درست کنند با ماشین آلات عالی بسازند آن صنعتگرانی اهمیت دارند صنایع ما پیش ما مکشوف است نمی خواهم موضوعات صنعتی خود را بیان کنم چون خجالت آور است و بواسطه فقر صنعتی که ما داریم صنایع ما منحصراً است بیک چیزهای خیلی بیست و غالباً صنعتگران سرمایه شان در تومانی نیست و آنهم میخواهند صنعتشان معروف شود و بواسطه آن علامت مبنی گذاشته باشند که نسبت به صنعت آنها سرعت نشود بنا بر این ما نمیخواهیم بیک صنعتگری که سرمایه او ده تومان یا پنج تومان نیست بیاید ده تومان بدهد و فلان تاجر هم که صاحب میلیون پول است بیاید برای علامت تجاری خودش ده تومان بدهد مملکت ما امروز این اقتضای ندارد که ما هر دورا بیک نظر نگاه کنیم آیا میشود صنعتگری که یک سرمایه پستی دارد و با زحمت زیادی کار میکند بیک زندگی خیلی پستی برای خودش تهیه میکند با آن تاجر میلیونر مساوی باشد یعنی آن هم ده تومان بدهد این هم ده تومان بنده عقیده دارم که صنعتگر در تومانی و تاجر بنده عقیده دارم که صنعتگر در تومانی و تاجر ده تومانه بدهد و اگر در آیه انشاء الله صنعتگرهای قابل و عالی پیدا کردیم آن وقت آن هاهم ده تومان و بیست تومان صد تومان بدهند اهمیت ندارد ولی در این موقع فقر اقتصادی نیست گفت صنعتگر بدبخت ده تومان بدهد و آن تاجر سرمایه دار هم ده تومان بدهد لهذا بنده در روی همین موضوع پیشنهادی تهیه و تقدیم مقام ریاست کردم و در آنجا هم توضیح میدهم این است علت مخالفت بنده

رهنما مخیر - اگر این قانون اجباری بود اعتراضات آقای طهرانی وارد بود و البته میبایست این رعایت شده باشد ولی این قانون اجباری نیست هر کس که خودش داوطلب باشد خودش بخواهد بیک علامت صنعتی بگیرد بیند که صرفه هم برایش دارد که در ظرف مدت ده سال که مدت اجازه است سالی یک تومان بدهد آن وقت می رود بگیرد و اگر صرفه ندارد نمی رود بگیرد کسی هم او را مجبور نمیکند که برود علامت صنعتی بگیرد اگر شرط نظر اولی بود که اجباری بود البته باید این رعایت شده باشد و طبقات مختلف ترتیب داده شده باشد و از روی سرمایه بیک حق الثبتی از آنها گرفته شود ولی اینها نیست بیک

کاسب اگر دید صرفه میکند بیک علامت صنعتی اشخاص بکنند برای مال التجاره خودش می رود بیک علامتی بگیرد و ده تومان راهم بدهد و اگر بیند صرفه ندارد و نمی رود بگیرد و دیگران می روند بگیرند
رئیس - آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - موافقم
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم عرض اینک ما تشویق کنیم اتمه داخلی را هر روز بیک مالیات مهمتری میگذاریم و بیک کاری میکنیم که مردم مردم تشویق نشوند بنا بر این همانطوری که آقای طهرانی فرمودند بیک کسی است که اصلاً صنعتش ده تومان نمی ارزد و این ترتیب تشویق نمیکند کسی را که بی صنعتی برود بنا بر این بنده یارده تومان مخالفم و همانطوری که آقای تهران فرمودند ده تومان را آنهم اگر مجبور باشیم قبول میکنیم والا آن هم زیاد است (جمعی اظهار کردند مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است
جمعی از نمایندگان - بلی کافی است
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود ؛ (سه فقره پیشنهاد بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که ماده نهم اینطور اصلاح شود

برای ثبت و تصدیق هر علامت پنج تومان الا آخر کار زرونی (بنده در ماده ۹ ده تومان را زیاد و پنج تومان پیشنهاد میدارم محدود ولی میرزا بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ باین طریق اصلاح شود ؛
برای ثبت و تصدیق هر علامت تجاری مبلغ ده تومان و هر علامت صنعتی مبلغ دو تومان و برای هرالی آخر محمد علی طهرانی

رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا و آقای کازرونی هر دو یکی است آقای طهرانی چون پیشنهادشان از پیشنهاد کمیسیون نسبت بپیشنهاد آقای کازرونی دور تر است اول باید بآن رای گرفت ؛ آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده توضیح را دادم لیکن چون آقای مخیر بیک بیانی فرمودند که شاید متوجه کرده باشند آقایان و کلارا که چون اضطراری نیست و از این جهت بیک صاحب صنعتی اگر خواست و دید فایده دارد این کار را می کند .
بنده عرض میکنم برای تشویق صنعتگری که دارا نیست معض اینک علامت

صنعتی داشته باشد عقیدم این است که اورا هم باید توجه کرد .
ولی اختیاری است معنایش این است که چون اضطراری نیست و اختیاری است صنعتگری که دارای سرمایه نیست بواسطه خاطر گرانی قیمتی که معین شده است یعنی ده تومان هیچوقت اقبال نمیکند که بیاید بیک علامت صنعتی را از دولت بگیرد

ولی وقتی که دید ده تومان باید بدهد ممکن است که این کار را بکنند و علامت صنعتی را بگیرد و سایرین هم که می بینند این شخص تشویق شده است و این تصدیقی که در دست اوست باعث رواج صنعت او شده آتاهم میروند اینکار را میکنند والا ما تقریباً اختصاص داده ایم این ده تومان را بتجار و صنعتگر فقط یکی دو نفر شاید بتوانند این مبلغ را بدوات بدهند نفعی هم برای دولت ندارد

پس وقتی که دو تومان مال صنعتگر شد و ده تومان تاجر هم ملاحظه طبقاتی شده و هم ملاحظه ترویج صنایع داخلی فرمودند دو تومان را آنهم اگر مجبور باشیم قبول میکنیم والا آن هم زیاد است (جمعی اظهار کردند مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است
جمعی از نمایندگان - بلی کافی است
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود ؛ (سه فقره پیشنهاد بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که ماده نهم اینطور اصلاح شود

رئیس- آقای حاج عز الممالک (اجازه)
حاج عز الممالک - اینجا صحبت از تشویق میشود -
اساساً گمان نمیکنم کسی مخالف با تشویق باشد مگر صنعت گر نیاید تشویق بشود .
اما موضوع تشویق صنعتگر در ایران فقط این موضوع نیست .
شیروانی - یکی این است

حاج عز الممالک - خیر این خیلی نسبت باو ضعیف است آقایان توجه بفرمایند شاید قانع شوند .
اینجا همانطور که آقای مخیر توضیح دادند اجباری نیست .
یعنی دولت نمیکوید که هر صنعتگری باید ده تومان بدهد و برای خودش علامتی انحصار بدهد .
وقتی که بیک شخصی میخواهد بیک علامتی را منحصر بخود بکند و نگذارد دیگران از آن استفاده بکنند و صرفه هم داشته باشد که ده سال باو منحصر باشد میاید ده تومان بدولت میدهد .
اینجا بعضی برای دولت منظور نشده برای ثبت و زحماتی که وزارتخانه باید بکشد و اینکه حقوق آنها را دولت حفظ

میکند باید ده تومان بدهند اما اینکه فرمودند صنعتگری است که پنج تومان سرمایه اش است بنده تعجب میکنم صنعتگری که سرمایه اش پنج تومان است علامت صنعتی که بخواهد ده تومان بخودش اختصاص بدهد میخواهد چه کند شیروانی - این معال نیست

حاج عز الممالک - بلی فرض محال محال نیست ولی این در درجه صفر است و نمیشود فکر کرد بیک صنعتگری که فقط پنج تومان سرمایه دارد میخواهد علامتی را بخودش منحصر کند یول هم ندارد ظلم هم باو میشود رفع ظلم و تشویق این آدم هم ایجاب میکند که آن دو تومان را هم از او نگیرند .

این عقیده بنده بیک قدری از فلسفه این قانون دور است ما هم را آزاد گذاشته ایم که هر علامتی را بخواهد برای خودش انتخاب کند .

ولی بیک صنعتگر یا بیک تاجری که بخواهد بیک علامتی بخود منحصر کند دیگران را منع کند که از این حق استفاده نکنند ده تومان برای ده سال به دولت می دهد .
رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن اصلاح آقای طهرانی

آقایان موافقین قیام فرمایند (عدهای قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد . آقای کازرونی .

کازرونی - متأسفانه کم کم موضوعات دارد داخل هم میشود .
آیا در اینجا دولت نظر دارد که پولی اخذ کند بیک مالیاتی ایجاد کرده باشد ؟ این نیست .
دولت نظر اصلاح دارد و نظر اصلاح این است که هر کس هر علامت صنعتی دارد انحصار بخودش داشته باشد نه اینکه آن صنعت اختصاص بآن داشته باشد آن صنعت اختصاص باو ندارد جلالی اختصاص باین جولا ندارد که دارنده این علامت است این علامت اختصاص باو دارد آقا که عضو کمیسیون هستند اینطور می فرمایند در توضیحات خودشان ؛
میخواهم عرض کنم که اینطور نیست دولت نظر این را نداشته که در این پیشنهاد و این قانون بیک مالیات وضع کرده باشد فرض این است که بیک علامت صنعتی مردم داشته باشند و اختصاص بآنها داشته باشد بفرمایند دولت زحمت میکشد بنده بجای دولت زحمت میکنم دو قران میکنم و حاضر بیک اداره باقا تحویل بدهم دو قران بگیرم و بنده پیشنهاد کردم که پنج تومان بدهند برای اینکه مقتضای آن میز و صندلی و دو سه و اندیکاتور اینکار پنج تومان است از این جهت پیشنهاد کردم

کازرونی - بنده متأسفانه کم کم موضوعات دارد داخل هم میشود .
آیا در اینجا دولت نظر دارد که پولی اخذ کند بیک مالیاتی ایجاد کرده باشد ؟ این نیست .
دولت نظر اصلاح دارد و نظر اصلاح این است که هر کس هر علامت صنعتی دارد انحصار بخودش داشته باشد نه اینکه آن صنعت اختصاص بآن داشته باشد آن صنعت اختصاص باو ندارد جلالی اختصاص باین جولا ندارد که دارنده این علامت است این علامت اختصاص باو دارد آقا که عضو کمیسیون هستند اینطور می فرمایند در توضیحات خودشان ؛
میخواهم عرض کنم که اینطور نیست دولت نظر این را نداشته که در این پیشنهاد و این قانون بیک مالیات وضع کرده باشد فرض این است که بیک علامت صنعتی مردم داشته باشند و اختصاص بآنها داشته باشد بفرمایند دولت زحمت میکشد بنده بجای دولت زحمت میکنم دو قران میکنم و حاضر بیک اداره باقا تحویل بدهم دو قران بگیرم و بنده پیشنهاد کردم که پنج تومان بدهند برای اینکه مقتضای آن میز و صندلی و دو سه و اندیکاتور اینکار پنج تومان است از این جهت پیشنهاد کردم

پنج تومان در صورتی که بیش نفس خودم خنجم که چرا پنج تومان پیشنهاد کردم و دلیل اینکه پنج تومان پیشنهاد کردم این بود که آقایان هم مساعدت میکنند و الا هیچ دلیلی برایش نمی بینم مگر اینکه بگویند بیک لایحه قانونی برای اخذ پول است و ارجاع کنند بکمیسیون مالیه تا رای بدهیم

حاج عز الممالک - بنده توضیحی دارم سوء تفاهمی شده است و مطابق نظامنامه حق دارم رئیس - بفرمائید

حاج عز الممالک - بنده عرض نکردم که آن صنف مخصوص بآن شخص میشود مقصود بنده آن علامتی بود که مخصوص او میشود

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده محتاج باین نمی بینم که توضیح زیادی بدهم و بنده نظرم این بود که ده تومان زیاد است و برای مراعات تشویق پنج تومان کافی است علی العجله که ما ندیدیم نتیجه این قانون در عمل چه خواهد بود

این است که بنده پیشنهاد کردم قفلا پنج تومان قرار بدهیم تا ببینیم در عمل چطور نتیجه می بخشد و تا وارد عمل نشویم تصور میکنم اظهارات ما چندان تاثیری ندارد .

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقایان محمد ولی میرزا و کازرونی .
آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(عدهای قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای دولت آبادی (شرح زیر قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم از داخله پنج تومان و از خارج بیست تومان دریافت دارند

رئیس - رای گرفته شود بقسمت دوم توضیحی دارید ؟
دولت آبادی - بلی نکته ای که در نظر هست و در خود وزارت قوائد عامه هم این مذاکره شده است این است که بیشتر ارباب صنعت خارجی که میل دارند علامت صنعتشان در دفتر قوائد عامه ثبت شود و در خارج هم معمول است

برای آنها پنج تومان یا ده تومان یا بیست تومان فرقی نمیکند و بیک ضروری هم بدولت وارد نیاید
این است که بنده پیشنهاد کردم که برای داخله پنج تومان و اگر ارباب صنایع خواستند علامت صنعتشان در دفتر قوائد عامه

ایران ثبت شود بیست تومان بدهند ضرری ندارد و امیدوارم که صنعت ما هم خوب شود و عمده هم این است که تجار خارجه همه میل دارند که در فواید ما ایران علامتشان ثبت شود.

از این جهت داخله را پنج تومان و خارجه را بیست تومان بکنند عیبی ندارد رئیس آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - بنظر بنده درهای ایران برای تجارت با زاست و صحیح نیست که ما در اینجا فرقی بگذاریم بلکه قانون وضع میشود باید نظر تساوی درش باشد.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن قسمت دوم پیشنهاد آقای دولت آبادی موافقین قیام فرمایند (عده ای قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد حاج آقا اسماعیل عراقی - مال بنده را بخوانید

رئیس - رأی میگیریم بماده نه ... یاسانی بنده پیشنهاد دارم (تقدیم نمودند شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای ثبت و تصدیق هر علامت از تجار ده تومان از صنایع سه تومان اخذ شود

یاسانی - در اینجا از طرف بعضی از آقایان اظهار شد که از نظر تشویق صنعتگران داخلی این قانون وضع میشود در صورتیکه این ماده نه یک سدی است بنظر من از برای ترقی صنایع مثلثی است معروف بنده زائد نمیدانم که عرض کنم مرشدی وردی بریدش یاد میداد که چهل روز این رایخوان ولی شکل گرفت که در نظر نگیرم تا نتیجه بگیریم این شخص هر وقت میرفت آن ورد را بخواند اول شکل گرفت در نظرش میآمد ما میخواهیم تشویق بکنیم ولی میگویم که اول باید ده تومان بدهند آن صنعتگر بدینست که میخواهد صنعتی منتشر شود در تمام مملکت و همانطوری که آقای طهرانی و سایرین توضیح دادند یک سرمایه ندارد و خیلی هم شایق است که یک علامت داشته باشد نباید یک سدی جلوی او گذاشت که نتواند موجدات توسعه آن صنعت گر فراهم کند آقای مخبر فرمودند که مردم مختارند و اختیاراتی نیست اختیاری است هر وقت خواستند استفاده کنند میبایند تقاضا میکنند ده تومان را می دهند و اجازه می گیرند و اگر خسار نخواستند هیچ بلی مختارند ولی وقتی ما گفتیم ده تومان اول باید بدهی این ده تومان از نقطه نظرش فقر آنها را مجبور میکند مصرف شوند ولی اگر ما این ده تومان را کم کرده دو تومان سه تومان قرار بدهیم این اجبار

رفع میشود برای اینکه از همد آنها خارج نیست و میبایند این مبلغ را امیدهند استفاده میکنند ولی اگر گفتیم حتماً باید ده تومان بدهند البته حاضر نیستود بپرداخت این مبلغ و بکنی از این خیال هم مصرف میشود پس شما از نقطه نظر تشویق هم که هست باید یک تسهیلات و مساعدات هائی را هم قائل بشوید را بگیرند و بروند روی مال تجارتشان بگذارند و از آن رو یک استفاده بکنند مخبر - راجع باین قضیه یک قدری آقای یاسانی توجه فرمایند ما خیال میکنیم الان بعضی اینکه این قانون از تصویب مجلس گذشت تمام مردم میبایند علامت صنعتی میخوانند ؛ خیر اینطور نیست علامت صنعتی را موقع میخوانند که مال تجارتشان رواج پیدا کرده است وقتی که رواج پیدا کرد میبایند یک علامتی را موزون بکنند بفرودشان و اگر نخواهند انحصار بدهند وقتی که میخوانند یک مارک یا یک علامتی را انحصار بدهند بخودشان البته این انحصار در نتیجه این میشود که مشتری زیاد دارند و همینکه آن شخص دید مال تجارتش مشتری زیاد دارد میرود یک مینز برای مال تجارت خود تهیه میکند که میتواند مال تجارت کوچکی دارد و علامت صنعتی هم میخواهد ولی دلش میخواهد بویل بدهد ما که برای دل او این کار را نمیکنیم ؛ این برای تشویق صنعتگران و امتیاز گذاشتن این مال تجارت خوب و مال تجارت بد است و در اینصورت این چه تاجری است که یک مال تجارت مرغوبی دارد نمیتواند سالی یک تومان که ماهی یکتران هم کمتر میشود برای شناسائی مال تجارتش بدهد .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسانی آقایان کابین پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده ای قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای ملک الشعراء (اجازه)

رئیس - پیشنهاد میکنم برای علامت صنعتی در تمام مملکت و همانطوری که آقای طهرانی و سایرین توضیح دادند یک سرمایه ندارد و خیلی هم شایق است که یک علامت داشته باشد نباید یک سدی جلوی او گذاشت که نتواند موجدات توسعه آن صنعت گر فراهم کند آقای مخبر فرمودند که مردم مختارند و اختیاراتی نیست اختیاری است هر وقت خواستند استفاده کنند میبایند تقاضا میکنند ده تومان را می دهند و اجازه می گیرند و اگر خسار نخواستند هیچ بلی مختارند ولی وقتی ما گفتیم ده تومان اول باید بدهی این ده تومان از نقطه نظرش فقر آنها را مجبور میکند مصرف شوند ولی اگر ما این ده تومان را کم کرده دو تومان سه تومان قرار بدهیم این اجبار

که این قانون بآن شدتی که خیال کرده اند نیست بجهت اینکه يك صنعتی که پیدا شدو خواستند يك علامت صنعتی برای آن بگیرند البته علامت و مارک آن مثل این تابلو هائی که الان در دکانها هست نیست زیرا این تابلوها را نمیشود علامت انحصاری فرض کرد آن روزی که ببیند صنعتش بجدی رسیده است که سایرین تقلید میکنند و اقتیاس آنها باعث نکت مال تجارتش میشود این است که آنوقت مجبور است یسایند يك علامت صنعتی را برای مال تجارتش معین کند و اینجا محض اینکه رعایت حال صنعتگر و تاجر شده باشد بنده این پیشنهاد را کردم؛

زیرا سرمایه تجار غالباً زیاد تر است ولی صنعتگر بآن ترتیب که يك کسی یازده قران سرمایه دارد البته همچو تصویر را نمیشود کرد که او بخواهد علامت صنعتی داشته باشد و در سال يك تومان برای علامت صنعتی خودش بدهد و باین ترتیب هم از صنعتگران این مملکت تشویق نمیشود و تماشا تصور است و هیچ مصداق خارجی ندارد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که علامت تجاری تصویب شود از صنعتگران که با دست خودشان میخواهند کار بکنند و در آینه مملکت ایران فوق العاده محتاج باین صنعتگران خواهد شد زیرا در ایران جمعیت کم است فابریک و سایر کارخانهها باین زودی و مسائل تأسیس فراهم نمیشود و یکی از راههای ترقی و راههای روشن همین قضیه صنایع پدی است و قلاهم که تعداد آنها خیلی کم است و از نقطه نظر هایدات هم ضرری بدولت وارد نیاید بلکه يك تشویقی از ارباب صنایع میشود و بعقیده بنده این هم يك قدم دومی است که مجلس مقدس در تشویق و ترغیب آن چیزهائی که محتاج الیه مملکت است برداشته

مخبر - بنده اصولاً با این پیشنهاد موافقم اما در صورتیکه يك تشویقی هم در این خصوص داده شود و آن این است که يكوقت هست که صنعتگر پدی مثلا يك چاقو سازی است که زحمت میکند و چاقوی خودش را ب مسائل حمل و نقل و يك مالیات ده تومانی راییک قران تنزل داد همینطور هم باید در مورد صنایع پدی و صنعتگر آن پدی مجلس مقدس احساسات خود را نشان بدهد مملکت ما از نقطه نظر صنایع پدی هم متأسفانه خیلی فقیر است و حقیقه عقب افتاده است .

البته تاجر طریق که هست ولو بالفاظ هم که باشد باید آن هارا تشویق کنیم تا چه رسد باینکه بایم عوض تشویق يك مالیاتی بآنها تعین کنیم ؛

از این جهت بنده پیش نهاد

و او بفرودش و از این راه تجارت میکند و منافعی هم میرسد آنوقت در صورتیکه سرمایه کیسانی عراق یا آن شخصی که آن ده نفر را کثرت کرده است معادل صد هزار تومان است .

آنوقت آیا سزاوار است که ما آنها را هم در ردیف صنعتگران پدی محسوب نمائیم و بگوئیم آنها هم دور قران بدهند ملک الشعراء - آن شخص تاجر است صنعتگر نیست

مخبر - خوب این هم صنعت است پس باید يك طوری باشد که معلوم باشد و تمیز داده شد بین آن کسیکه چاقو برای خودش میسازد بآن کسیکه چاقو برای تاجر یا کیسانی درست میکند و البته آن کسیکه صنعت پدی را برای خودش درست میکند بنده هم موافقم که يك تخفیفی او داده شود ولی بشرط اینکه در این باب يك توضیحی اینجا داده شود

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای کازرونی (این ترتیب قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم اینطور اصلاح شود ؛

برای ثبت و تصدیق هر علامت مبلغ شش تومان الی آخر

رئیس - باز توضیحی دارید ؟

کازرونی - بلی

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کردم بنده از باب ملاحظه مندیست که این پیشنهاد را این آقایان ملاحظه فرمائید این حکله مالها - نمدال ها - گیوه چینی ها و بالاخره يك صنعت گرهائی دیگری را که اینها بتمام مایملک و وسائل از تراقو زنده گانی شان ده تومان نیست و آنوقت در صورتیکه صنایع ما هم منحصر از همین مقوله است اگر بایم ده تومان قرار بدهیم برای گرفتن علامت صنعتی البته این اقدام نیستند و باید يك کاری بکنیم که همه مردم بتوانند بیابند این علامت صنعتی را بگیرند برای مال تجارتشان که امتعه و صنعتشان معلوم باشد اگر چه حالا هم نیست لیکن بکطوری باشد که کسی نیاید بطور قلابی آن علامت را استعمال کند و در هر صورت خوب است آقایان يك نظر توجهی بطرف آن اشخاص زحمت کش بفرمایند زیرا اگر این مبلغ برای ما ها قابل نیست برای آنها خیلی قابل است و ممکن است همین ده تومان سرمایه زنده گانی و معیشت او باشد و باید ما کاری بکنیم که آن بدینست همام بتوانند بیابند این علامت صنعتی را بگیرند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رای گرفته میشود بماده نهم بترتیبی که در راپورت کیسیون نوشته شده است آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (افاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - اعتبار این اجازه فقط ده سال است و پس از انقضای این مدت ترتیب فوق باید تجدید شود و الا نمیتوان است پس از یکبار اختصار در مجله علامت صنعتی و تجارتی و انقضای مدت یکسال اجازه استعمال همین باشیبه آن بدیگری داده شود با ضافه میزی .

رئیس - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - این ماده خیلی در عبارت بد نوشته شده ؛ اولاً نوشته شده است (اعتبار این اجازه فقط ده سال است) دیگر هیچ معلوم نیست نسبت اعتبار کدام اجازه اگر این ماده را از این لایحه تجزیه کنیم هیچ معلوم نیست که اجازه نفت شمال است ؟ اجازه چه امتیازی است و اینجا در واقع مصداق المعنی فی بطن الشاهر شده است نویسنده يك معطلی در نظرش بوده است و بددر موقع نوشتن اصل موضوع را اینجا نوشته و نوشته است که (اعتبار این اجازه فقط ده سال است) و بعد از آن مینویسد ؛ (پس از انقضای این مدت ترتیب فوق باید تجدید شود و الا ممکن است پس از يك بار اختصار در مجله علامت صنعتی و تجارتی و انقضای مدت یکسال - اجازه همین باشیبه آن به دیگرى داده شود) باز مدت انقضای مدت يك سال هم معلوم نیست که تاریخ شروعش از کی است و مشخصتر این است که اینجا اشاره شده است (بآن) در صورتیکه هیچ معلوم نیست که (آن) اشاره بکجا است و این ماده يك مضمون عجیبی پیدا کرده است و بنده پیشنهاد میکنم که اگر آقای مخبر قبول کند این ماده بر گردد بکیسیون تادر آنجا يك نظر دقتی بنشیند و اصلاح کنند و الا این عبارت هیچ منظور را نمیرساند و علاوه يك موضوع میزی هم در آن آخر اضافه کرده است که مطلب را تکمیل کرده است .

مخبر - بنده اعتراف میکنم که شاید نتوانم چیز بنویسم ولی در این قسمت توضیح میدهم اینکه اینجا نوشته شده است اعتبار اجازه فقط ده سال است البته اجازه نظر برای ما ها قابل نیست برای آنها خیلی قابل است و ممکن است همین ده تومان سرمایه زنده گانی و معیشت او باشد و باید ما کاری بکنیم که آن بدینست همام بتوانند بیابند این علامت صنعتی را بگیرند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

اخبار در مجله علامت صنعتی و تجارتی و انقضای مدت یکسال) یعنی ده سال بگذرد و اخبار هم بکنند و یکسال هم بگذرد و بالاخره نیاید که تجدید کنند آن وقت اجازه عین یا شبیه آن بدیگری داده خواهد شد و چون بعضی از اعضاء کیسیون نظر داشته که اگر عین یا شبیه آن رایبندند ممکن است نسبت بصاحب علامت اولی يك بی عدالتی شده باشد یا این جهت گفته شد خوب است يك میز کوچکی هم بگذارند تا مختصر تفاوتی در بین باشد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتدار دامغانی - مقصود از وضع این قانون علامت صنعتی البته تشخیص انواع صنایع و تمیز تجارتها از یکدیگر است بنظارت دولت و این مقصود پس از اینکه علامت صنعتی را بفروش اختصاص داد تأمین میشود دیگر هیچ فلسفه ندارد که مدت اعتبار آن تا ده سال باشد و التاء شدن امتیاز بعد از ده سال بعقیده بنده يك تضییق بی - موقعی است مگر اینکه نظر باز دیاد عایدات داشته باشیم کدر نتیجه يك ده تومان دیگری بدولت بدهند ؛

دولت نباید در لواهیی کدر موضوع اقتصادیات وضع می شود نظر عایدی داشته باشد ؛

اگر نظر باز دیاد عایدات دارد و میخواهد عوائدی زیاد کنند باید لواهی مالیاتی تهیه و بجلس بیارود تادر اینجا تصویب شود ولی در اینجا زیاد با مانع منظور نیست و چون لواهییکه برای اقتصادیات وضع میشود باید کاملاً بتامع اقتصادی تمام شود از این جهت دیگر علت ندارد که این امتیاز پس از ده سال ملغی شود و همانطور که ما کان باید باقی باشد مگر اینکه خود صنعتگر از صنعتش اعتراض کند از این جهت بنده پیشنهاد کردم مادام که صاحب علامت صنعت و تجارتی خود را ترک نکرده امتیاز او باقی باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (چهار فقره پیشنهاد شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اعتبار این اجازه مادامی است که صاحب اجازه آن صنعت و تجارت را ترک و اعراض نکرده است و پس از مدتی اعراض صاحب اجازه مانی خواهد بود (رضادامغانی) میرزا شهاب پیشنهاد میکنند ماده ۱۰ بطریق ذیل اصلاح شود

ماده ۱۰ - اختیار اجازه علامت تجارتی و صنعتی ده سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود (اصلاح ماده دنوا مشار اعظم شرح ذیل پیشنهاد میکنند

ماده ۱۰ - اختیار اجازه استعمال علامت صنعتی و صنعتی ده سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود) اصلاح ماده دنوا مشار اعظم شرح ذیل پیشنهاد میکنند

ماده ۱۰ - اختیار اجازه استعمال علامت صنعتی و صنعتی ده سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود) اصلاح ماده دنوا مشار اعظم شرح ذیل پیشنهاد میکنند

ماده ۱۰ - اختیار اجازه استعمال علامت صنعتی و صنعتی ده سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود) اصلاح ماده دنوا مشار اعظم شرح ذیل پیشنهاد میکنند

فقط ده سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود و الا ممکن است پس از یکبار اختصار در مجله علامت صنعتی و تجارتی و انقضای مدت یکسال از تاریخ اختصار اجازه عین و شبیه آن علامت با میز مخصوصی بدیگری داده شود .

پیشنهاد میکنم بصر ذیل بماده علامت تبصره - اعتبار اجازه علامت صنایع پدی مادام العمر با صاحب آن صنعت خواهد بود ولی بعد از فوت او وراثت با صاحب قانونی آن باید مطابق ماده هشتم اصل ناینده ملک الشعراء

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتدار دامغانی - توضیحات بنده همان بود که عرض کردم دیگر بستم برای مجلس است .

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه پیش نهاد آقای دامغانی را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد

ملک الشعراء اینطور که نمیشود پیش نهاد ما مخلوط میشود و نمی شود فیهیبه زیرا چند پیشنهاد بی دردی بدون دادن توضیح خوانده میشود .

رئیس - پیشنهاد را میتوانست که با یکدیگر مقایسه بکنند بملاوه بنده هم اگر بخواهد دوباره قرائت میشود ؛ آقای دامغانی نتوانستند توضیح بدهند الا توضیح میدادند آقای آقا میرزا شهاب

میرزا شهاب الدین - آقای مشارعظم با عیارت این ماده مخالف بودند بنده با منای آن مخالفم

آقایان البته متوجه اند که علامت صنعتی و تجارتی بلکه اسم تجارتها و حتی روزنامه های هم دارای يك قسمت بسیار مهمی است شونده يك تاجری که مدتی بصحت کار کرد و علامتی برای خودش قرارداد یا يك صنعتگری که برای صنعت خودش يك علامتی ایجاد کرد بعد از مدتها که زحمت کشید و در کار خودش حسن عمل بخرج داد البته اسم کار او دارای يك قیمتی می شود چنانچه خود بنده در طهران دیدم يك روزنامه منتشر شد که در اسم شبیه به یکی از روزنامه های مهم بود و باین واسطه در روز اول پانصد ششصد شماره فروخته شد ولی دفعه دوم که چاپ شد فروشش نیک نمره اش از صد نمره تجارتی نکرد از اینرو معلوم میشود که علامت اسم های صنعتی و تجارتی هم دارای يك قیمتی خواهد بود .

بنا بر این بنده باین ماده که مدت اعتبار

را ده سال قرارداد بدو بطوریکه پس از ده سال دولت بتواند عین یا شبیه آن را بابت میزبانی بدیگری واگذار کند مخالفم بنده بتجدید اجازه مغایرت نیستم ولی اگر دولت بخواهد یک هلال صنعتی یا تجارتی را که در نتیجه زحمت و حسن عمل یک کارگری اعتبار و قیمت پیدا کرده با جزئی میزبانی پس از ده سال بدیگری انتقال دهنده مغایرت برای اینکه پس از ده سال ممکن است بنده فرسناً تاجر بودم فقط کردم روزنامه که اعلان کردند متوجه نشدم آن وقت نیاید دولت بدیگری واگذار کند و همینطور بنده با مغایرتی هم مخالفم برای اینکه ما می بینیم هر قانونی که در مجلس وضع می شود اول وسائل یک بودجه سنگینی برای آن قانون فراهم می کنند و فوری پس از گذشتن این قانون چندین میزبانی و سردبیر و مدیر مسئول و مورخ و غیره درست خواهد شد با هم اینکه مجلس رأی داده است که مجلس صنعتی درست شود و سالی ۵۰ هزار تومان بودجه برای آن درست خواهند کرد

آقای میرزا شهاب - بنده چون با تأسیس مجله صنعتی مخالفم و این قسمت هم در ضمن این نامه ذکر شده مغایرت کردم و عقیده بنده این است که در جرایم اعلان بشود پس بنده هم با قسمت اول و هم با قسمت دوم این ماده مغایرت

رئیس - آقای حاج مرزا مالک (اجازه)
حاج عز الممالک - اینکه راجع بمجله صنعتی اظهار فرمودند البته نباید یک مخارج زیادی برای دولت توله کرد ولی از یک طرف اگر پیشنهادی برای اضافه عایدات بشود که بتواند مخارج را تکاوت کند فوری از طرف آقایان پیشنهادهای در حذف یا کسر آن میشود و از طرف دیگر دولت که یک پولی میگیرد باید برای مردم هم یک کاری بکند و باید یک مجله مخصوصی داشته باشد تا تاجران و صنعتگران بآن متوجه شوند و نقش هلالیات و ادرا آنها ببینند

این یک چیز مهمی است تاجر با صنعتگر مجبور نیست تمام جرایم را آتونه شود ولی مجله صنعتی را برای اینکه نگاه کنند و اطلاعاتی پیدا کنند و به بیند چه علامتی خوب است آتونه میشود و از آن استفاده میکند
این یک چیزی است که در تمام دنیا معمول است ما هم اگر میخواهیم پیش برویم باید همین دور به رتبعیت کنیم شریعت و سر و آشکم که نمیشود ما میخواهیم قانونی برای هلال صنعتی و تجارتی وضع کنیم ولی مجله نداشته باشد این که نمیشود و دولت باید حقوق مردم را هم حفظ کند ما همینطور که که ملاحظه مخارج دولتی را میکنیم مرآت

حال مردم را هم باید بکنیم و نباید طوری کنیم که حقوق آنها از بین برود بعلاوه اگر تصور میکنید یک خرج زیادی خواهند کرد البته تصویب آن مخارج دست خود مجلس است و وقتی بودجه اش پیشنهاد شد میتوانید هر چه را که بنظرتان زیاد می رسد در موقع تصویب نکنید شما حالا قانون وضع میکنید و معمول نیست که دولت برای وضع یک ماده قانون خرجی بکند و در هر حال تکلیف مخارج آن بسته برای مجلس است اما در قسمت دیگر که فرمودید بخواهش میکنم قسمی اول پیشنهاد را بفرمائید

آقای میرزا شهاب - اعتبار اجازه هلال صنعتی و تجارتی ده سال است و پس از آن تمام این مدت ترتیب فوق باید تجدید شود **حاج عز الممالک** - بلی در این موضوع هم در کمیسیون صحبت زیاد شد و آقای رئیس التاجار هم تشریف داشتند و اصرار کردند که عین شبیه آن هلال نباید بدیگری داده شود و بالاخره نظر ایشان قبول شد که عین آن هلال بدون میزبانی بدیگری داده نشود ولی فرض بفرمائید که من سعی کرده ام بزرگ هلال مخصوصی برای مال التاجار خودم پیدا کرده ام و یک زحمتی هم کشیده ام و مدتی هم از آن استفاده کرده ام اما بعد نیامدم تجدید کنم تا ابدا هر که نمیشود آن هلال را بدیگری نداد چیز غریبی است آخر قانون باید یک حدی داشته باشد و معهود باشد از این جهت کمیسیون ده سال کافی دانست

حالا اگر آن تجارتخانه قابل بود با کلش ارزش داشت ممکن است پس از ده سال امتیاز را تجدید کرد و خودش در مرتبه استفاده کند والا اگر نخواست تجدید کند باید دیگری بتواند بایک میزبانی از آن استفاده کند و عقیده بنده مواد این قانون طوری بهم مخلوط است که اگر در یکی از آن مواد نقصی پیدا شود بجای دیگر قانون ضرر میزند

رئیس - آقای میرزا شهاب - بنده تقاضای تجزیه کرده ام
رئیس - میرزا شهاب - بنده تقاضای تجزیه کرده ام
رئیس - میرزا شهاب - بنده تقاضای تجزیه کرده ام
رئیس - میرزا شهاب - بنده تقاضای تجزیه کرده ام

باین ماده رأی بدهند و در ماده هفتم که رسیدیم آن وقت اگر نباشد در روزنامه اعلان شود اینجا روزنامه را معین میکنند و اگر در مجله صنعتی قرار گذاشته که این ماده هم تفسیری نخواهد کرد

اعتبار الدوله پس رأی در این ماده نمیشود گرفت میماند برای بعد
مغیر - رأی گرفته میشود منتهی آن وقت در ماده هفتم که یک ماده مستقلی است راجع باین موضوع اگر در آنجا مجله صنعتی قبول شد که هیچ و اگر قبول نشد البته اینجا هم روزنامه می نویسد و بالاخره بیکی از این دو حق رأی خواهند داد

رئیس - میرزا شهاب - بنده هم در این یکی میمانم برای بعد پیشنهاد آقای شهاب مطرح است
مغیر - پیشنهاد ایشان یک اصلاح فوری است و خیلی هم خوب نوشته اند البته بنده قبول میکنم

(پیشنهاد مزبور مجدداً شرح فوق قرائت شد)
مغیر - این اصلاح را قبول میکنم
رئیس - میرزا شهاب - ملک الشعراء مطرح است
ملک الشعراء - بفرمائید قرائت شود
(پیشنهاد مزبور مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - میرزا شهاب - بنده در این پیشنهاد در نتیجه هر ارضی است که در آن ماده عرض کردم و متأسفانه قبول نشد در هر صورت مقصود باز هم تشویق صاحبان صنایع پدی است که لااقل باین طریق از این اشخاص تشویق شود که اگر یک علامتی را اتخاذ کردند و یک پولی هم دادند و بوسیله آن علامت معرفی کردند صنعت خودشان را که بواسطه حسن عمل و کارشان یک شهرت و اهیتی پیدا کردند در حقیقت یک پیری با آنها داده شود که هر ده سال نباید آن هلال را بدیگری بدهد مقصود بنده این است که دولت یک انعامی بصاحبان صنایع پدی بدهد و البته بعد از آنکه از بین رفتند وراث آنها با آن کسی که بعد از آن دکان را اداره میکند تا باینجا باید یک پولی بدهد و آن هلال را تجدید کند ولی از برای این که یک تشویقی از آنها شده باشد خوب است آن هلالی که با آنها داده میشود مادام العمر باشد

مغیر - بنده بنظر مجلس است

رئیس - آقای میرزا شهاب - بنده در این یکی میمانم برای بعد پیشنهاد آقای شهاب مطرح است
مغیر - پیشنهاد ایشان یک اصلاح فوری است و خیلی هم خوب نوشته اند البته بنده قبول میکنم

(پیشنهاد مزبور مجدداً شرح فوق قرائت شد)
مغیر - این اصلاح را قبول میکنم
رئیس - میرزا شهاب - ملک الشعراء مطرح است
ملک الشعراء - بفرمائید قرائت شود
(پیشنهاد مزبور مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - میرزا شهاب - بنده در این پیشنهاد در نتیجه هر ارضی است که در آن ماده عرض کردم و متأسفانه قبول نشد در هر صورت مقصود باز هم تشویق صاحبان صنایع پدی است که لااقل باین طریق از این اشخاص تشویق شود که اگر یک علامتی را اتخاذ کردند و یک پولی هم دادند و بوسیله آن علامت معرفی کردند صنعت خودشان را که بواسطه حسن عمل و کارشان یک شهرت و اهیتی پیدا کردند در حقیقت یک پیری با آنها داده شود که هر ده سال نباید آن هلال را بدیگری بدهد مقصود بنده این است که دولت یک انعامی بصاحبان صنایع پدی بدهد و البته بعد از آنکه از بین رفتند وراث آنها با آن کسی که بعد از آن دکان را اداره میکند تا باینجا باید یک پولی بدهد و آن هلال را تجدید کند ولی از برای این که یک تشویقی از آنها شده باشد خوب است آن هلالی که با آنها داده میشود مادام العمر باشد

رئیس - میرزا شهاب - بنده در این پیشنهاد در نتیجه هر ارضی است که در آن ماده عرض کردم و متأسفانه قبول نشد در هر صورت مقصود باز هم تشویق صاحبان صنایع پدی است که لااقل باین طریق از این اشخاص تشویق شود که اگر یک علامتی را اتخاذ کردند و یک پولی هم دادند و بوسیله آن علامت معرفی کردند صنعت خودشان را که بواسطه حسن عمل و کارشان یک شهرت و اهیتی پیدا کردند در حقیقت یک پیری با آنها داده شود که هر ده سال نباید آن هلال را بدیگری بدهد مقصود بنده این است که دولت یک انعامی بصاحبان صنایع پدی بدهد و البته بعد از آنکه از بین رفتند وراث آنها با آن کسی که بعد از آن دکان را اداره میکند تا باینجا باید یک پولی بدهد و آن هلال را تجدید کند ولی از برای این که یک تشویقی از آنها شده باشد خوب است آن هلالی که با آنها داده میشود مادام العمر باشد

رئیس - میرزا شهاب - بنده در این پیشنهاد در نتیجه هر ارضی است که در آن ماده عرض کردم و متأسفانه قبول نشد در هر صورت مقصود باز هم تشویق صاحبان صنایع پدی است که لااقل باین طریق از این اشخاص تشویق شود که اگر یک علامتی را اتخاذ کردند و یک پولی هم دادند و بوسیله آن علامت معرفی کردند صنعت خودشان را که بواسطه حسن عمل و کارشان یک شهرت و اهیتی پیدا کردند در حقیقت یک پیری با آنها داده شود که هر ده سال نباید آن هلال را بدیگری بدهد مقصود بنده این است که دولت یک انعامی بصاحبان صنایع پدی بدهد و البته بعد از آنکه از بین رفتند وراث آنها با آن کسی که بعد از آن دکان را اداره میکند تا باینجا باید یک پولی بدهد و آن هلال را تجدید کند ولی از برای این که یک تشویقی از آنها شده باشد خوب است آن هلالی که با آنها داده میشود مادام العمر باشد

مغیر - بنده بنظر مجلس است

باز تأکید میشود
لایحه علامت صنعتی و تجارتی از ماده یازدهم مطرح است ماده یازدهم قرائت میشود
(شرح آتی قرائت شد)
ماده یازدهم - علامتی که متعلق بقر است و به ثبت رسیده است هینا یا با تغییر و اصلاح و یا کسر و اضافه نمی توان استعمال کرد
تفسیر - استعمال علامت صنعتی و تجارتی با تغییر و اصلاح و یا کسر و اضافه بطوری که اسباب اشتباه برای خریدار نشود با اجازه وزارت تجارت مجاز خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - مخالفی ندارد ؟
(گفته شد خیر)
رئیس - رأی می گیریم بماده یازدهم
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمائید
(جمع گیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده یازدهم
(شرح ذیل خوانده شد)

ماده دوازدهم - اشخاصی که برخلاف ماده (۱۱) علامتی را استعمال نمودند از ده روز الی یکسال حبس محکوم و مبلغ ده تومان الی سیصد تومان بصدوق دولت دادنی خواهند بود اشخاصی که اشیاء دارای علامات تقلبی و ساختگی را دانسته بمرض فروش و معاامله بگذارند

بنجروز الی ششماه حبس و از پنج تومان الی یکصد و پنجاه تومان بصدوق دولت دادنی خواهند بود
در صورت تکرار در هر دو مورد مجازات مضاعف میشود محکوم در صورت تقاضای مدعی میتواند مرتکب را بتأدیبه خسارات وارده بر او نیز از هر قبیل که باشد محکوم نماید و نیز حق دارد علامت تقلبی اشیاء را باطل کند و صورت حکمی را که در این قبیل مورد صادر می نماید کلا و یا بعضاً در تقاضای لازم میباید اعلان کند و باین روزنامه صادر نماید و مخارجی هم که بر این اقدام تعلق میگیرد بر عهده محکوم علیه خواهد بود

تفسیر - معادل مبلغی که ماده (۱۲) بمهده محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیاء تقلبی صادره خواهد شد و از اشیائی که علامت آنها را نمیتوان باطل کرد از قبیل اشیاء شکستی تمام آن اشیاء ضبط و در این صورت از جریمه معاف خواهد بود
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده در شور اول نسبت باین ماده مخالفت کردم حالا هم مخالفم فلسفه آن اینست که تداخل مواد قانونی با همدیگر گمان میکنند متناسب نباشد چرا ؟ بواسطه اینکه مواد قانونی که اینجاء وضع میشود مواد مجازاتی آن باید در قانون جزای دولتی معین شود

بنده ای است این یکی از تقابلی است که جزو سرعت پاساژ چیزهایی که قانون اشاره میکند محسوب میشود و وقتی که بنا شد یک ماده مخصوصی برای مجازات اشخاص مختلف در این قانون وضع شود فردا که قانون جزای دولتی از کمیسیون عدلیه گذشت و مخالف با این ماده شده محکوم نمیتواند تشخیص بدهد که آن ماده باید بوقوع اجرا گذاشته شود یا این ماده و این مسئله اسباب زحمت محکمه خواهد شد البته محکوم باید یک قانون مخصوصی را در نظر بگیرد از روی آن قانون و مواد مخصوص آن مجرم را محکوم کند بآن جرمی که دارد و باین ترتیب اشکال برای محکمه فراهم خواهد شد برای اینکه باید بشام قوانینی که از مجلس میگذرد فردا آمد فرد مراجعه کند و تمام مواد مجازاتی آن را استخراج نموده آن وقت در تحت دستور نظر بیاورد از روی آنها مجازات متغلفین را معین کند در صورتیکه این ترتیب در هیچ کجا مرسوم نیست

همیشه بمحاکم قضاتی یک کتاب جزای دولتی میدهند و باو میگویند از روی آن قضاوت بکن و اگر بنا باشد با این ترتیب رفتار شود یعنی هم مواد مجازاتی در این قانون نوشته شود و هم در آن قانون جزای دولتی که بعد از این نوشته خواهد شد یا نوشته شده بود بمجلس خواهد آمد ممکن است آن مواد با هم مخالف باشند و اسباب زحمت هیئت حاکمه و هیئت قضایه فراهم شود

بنابراین بنظر بنده بهتر این است که در این طرز از قوانین مواد مجازاتی را بنویسم و در یک قانون علیحدگی کلیه مواد مجازاتی نوشته شود و باین ترتیب هم برای مدعی وهم برای مدعی علیه و هیئت قضایه کدر این باب باید قضاوت کنند بهتر خواهد بود
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اولاً این مسئله که آقای طهرانی فرمودند که تداخل مواد میشود یعنی این قانون که حالا وضع میشود ممکن است مواد مجازاتی با مواد قانون جزای دولتی مخالف باشد عرض میکنم ناچار است ماده که ذکر شده مجازات متغلف از آن ماده هم ذکر شود آقا میفرمائید اگر متغلف از آن ماده باشد مجازاتش را اینجا ذکر نکنیم و مجازاتش را در قانون جزای دولتی ذکر کنند بنده هیچ دلیل

محکمی نیافتم بر اینکه مجازات متغلف از مواد قانون در همان قانون ذکر نشود و بقیه من این ترتیب بهتر است که قانون که وضع میشود مجازات متغلفین از آن قانون هم در خود همان قانون ذکر شود این هیچ اشکالی ندارد آقا میفرمائید تداخل می شود این تداخل مواد است بواسطه خاطر اینکه در کتاب قتهام هست که اگر کسی نمازش فضا شد باید اعاده کند این چیز تازه نیست که مجازات متغلف از قانون در اینجا ذکر شده

میفرمائید اگر در اینجا ذکر شود ممکن است با مواد قانون جزای دولتی که بدست قضاة میدهند آنها اشتباه کنند گمان میکنند انشاء الله عدلیه رایک طوری مرتب کنیم که قضاتش یک قضاتی باشند که قانون را در هم نکنند و بخوبی از قوانین مستحضر و مطلع باشند و بیضایات شخصی عمل نکنند و درست مطابق النمل بالتعل قانونرا عمل کنند

اما اینکه فرمودند در کمیسیون عدلیه مکرراً از مجلس شورای ملی و کمیسیونهای که منتخب از مجلس شورای ملی است کسی میتواند قانون وضع کند ؟ وضع قانون مختص مجلس شورای ملی منتخب از مجلس شورای ملی است که آنها باید به نشینند و قانون وضع کنند تا موقع اجرا گذاشته شود آن کمیسینی که از این مجلس معین می شود این قانون در تحت نظر آن کمیسیون هست و وقتی خواست قانون جزای دولتی را بنویسد آن قانون علامت صنعتی و سایر قوانین هم که از مجلس گذشته در خدمت ایشان هست تمام این قوانین را در کمیسیون حاضر میکنند و از روی آنها طوری قانون را می نویسند که بعد اسباب اشکال نشود پس گمان نمیکنم اینهایی که فرمودید یک دلائل محکمی باشد البته قانون که نوشته میشود و در واقع این ترتیب بهتر اسباب تسهیل را فراهم میکند و بنده برخلاف آقای طهرانی عقیده ام این است هر قانونی که از مجلس میگذرد باید مواد مجازاتش هم در خود همان قانون ذکر شود با این ترتیب کار آن کمیسینی که باید قانون جزای دولتی را بنویسد خیلی سهل تر خواهد شد و ما اگر این کار را بکنیم خیلی قدمهای سرحمی از برای متغلفین از قانون معین کرده ایم بنده برخلاف آقای تهرانی مخصوصاً از کمیسیونهای که قانون بنا آنها رجوع میشود استدعا میکنم در هر قانونی که می نویسند مواد مجازاتی آنرا در همان قانون ذکر کنند و باین ترتیب بهتر میتوان نتیجه گرفت

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود پیشنهاد
شاهزاده شیخ الرئیس

شاهزاده شیخ الرئیس

(اینطور خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که قسمت مجازاتهای این قانون بکمیسیون عدلیه مراجعه شود تا متأسفانه با سایر قوانین نوشته شود (محمد هاشم میرزا)
رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - برای جمع بین اینکه هم مجازات برای متغلف از قانون لازم است و هم آن طور که آقای طهرانی فرمودند مجازاتها باید متناسب باشد بهتر این است که این مطلب را بکمیسیون عدلیه مراجعه کنند و بقیه بنده تعیین مجازات از وظایف کمیسیون قوائد عامه خارج است و چون کمیسیون عدلیه مستحضر تر است از قسمت مجازاتها باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم که مواد و مجازاتی بکمیسیون عدلیه مراجعه شود و که راپورت آنرا از کمیسیون مجلس آمد آن وقت رأی بدهند دیگر بسته است بنظر آقایان

رهنما خبر - در اینجا اگر در اصل مجازات صحبت می شد که کم است یا زیاد است احساس می شد که شاید نسبت باین ماده مغایرتی باشد
ولی اصولاً بنده مخالفی نمی بینم فقط بعضی از آقایان تقاضا دارند جای این ماده عوض شود
البته آقایان میدانند در شور اول که این مسئله مطرح شد هم برای اشخاص که علامت صنعتی را برخلاف ماده ۱۱ سؤال نموده اند و هم برای اشخاصی که اشیاء دارای علامات تقلبی و ساختگی را دانسته بفروشند یک مجازات معین شده بود و بعد مراجعه شد به کمیسیون و در کمیسیون آقای سردار معظم خراسانی که حالا وزیر هستند تشریف آورده اند و بالاخره با توافق نظر ایشان قضیه تفکیک شده و برای هر کدام یک مجازات معین و البته آقایان تصدیق میفرمائید این است که در کمیسیون نماینده دولت حاضر شده و موادی را که بکمیسیون مراجعه میشود متناسب با قانون اصلاح کند و اینجا هم همانطور شده نماینده دولت در کمیسیون حاضر شده و مجازاتها بطریقیکه ملاحظه میفرمائید متناسب با قانون معین شده و بقیه بنده مراجعه این مواد بکمیسیون عدلیه جز بتأخیر افتادن هیچ نتیجه دیگری ندارد عیناً دولت نماینده اش آمده است و این مسئله را بر تریبی که تفکیک شده حل کرده اند حالا اگر نقطه نظر این است که جای این مسئله عوض شود اهتیت ندارد ولی اگر آقایان تصور میفرمائید کم یا زیاد است ممکن است پیشنهاد نمایند ولی اگر میفرمائید در قانونی که بنده میآید این مواد مجازات در آن جایز کر شود تصور میکنم جز بقریب

رهنما خبر - در اینجا اگر در اصل مجازات صحبت می شد که کم است یا زیاد است احساس می شد که شاید نسبت باین ماده مغایرتی باشد
ولی اصولاً بنده مخالفی نمی بینم فقط بعضی از آقایان تقاضا دارند جای این ماده عوض شود
البته آقایان میدانند در شور اول که این مسئله مطرح شد هم برای اشخاص که علامت صنعتی را برخلاف ماده ۱۱ سؤال نموده اند و هم برای اشخاصی که اشیاء دارای علامات تقلبی و ساختگی را دانسته بفروشند یک مجازات معین شده بود و بعد مراجعه شد به کمیسیون و در کمیسیون آقای سردار معظم خراسانی که حالا وزیر هستند تشریف آورده اند و بالاخره با توافق نظر ایشان قضیه تفکیک شده و برای هر کدام یک مجازات معین و البته آقایان تصدیق میفرمائید این است که در کمیسیون نماینده دولت حاضر شده و موادی را که بکمیسیون مراجعه میشود متناسب با قانون اصلاح کند و اینجا هم همانطور شده نماینده دولت در کمیسیون حاضر شده و مجازاتها بطریقیکه ملاحظه میفرمائید متناسب با قانون معین شده و بقیه بنده مراجعه این مواد بکمیسیون عدلیه جز بتأخیر افتادن هیچ نتیجه دیگری ندارد عیناً دولت نماینده اش آمده است و این مسئله را بر تریبی که تفکیک شده حل کرده اند حالا اگر نقطه نظر این است که جای این مسئله عوض شود اهتیت ندارد ولی اگر آقایان تصور میفرمائید کم یا زیاد است ممکن است پیشنهاد نمایند ولی اگر میفرمائید در قانونی که بنده میآید این مواد مجازات در آن جایز کر شود تصور میکنم جز بقریب

رهنما خبر - در اینجا اگر در اصل مجازات صحبت می شد که کم است یا زیاد است احساس می شد که شاید نسبت باین ماده مغایرتی باشد
ولی اصولاً بنده مخالفی نمی بینم فقط بعضی از آقایان تقاضا دارند جای این ماده عوض شود
البته آقایان میدانند در شور اول که این مسئله مطرح شد هم برای اشخاص که علامت صنعتی را برخلاف ماده ۱۱ سؤال نموده اند و هم برای اشخاصی که اشیاء دارای علامات تقلبی و ساختگی را دانسته بفروشند یک مجازات معین شده بود و بعد مراجعه شد به کمیسیون و در کمیسیون آقای سردار معظم خراسانی که حالا وزیر هستند تشریف آورده اند و بالاخره با توافق نظر ایشان قضیه تفکیک شده و برای هر کدام یک مجازات معین و البته آقایان تصدیق میفرمائید این است که در کمیسیون نماینده دولت حاضر شده و موادی را که بکمیسیون مراجعه میشود متناسب با قانون اصلاح کند و اینجا هم همانطور شده نماینده دولت در کمیسیون حاضر شده و مجازاتها بطریقیکه ملاحظه میفرمائید متناسب با قانون معین شده و بقیه بنده مراجعه این مواد بکمیسیون عدلیه جز بتأخیر افتادن هیچ نتیجه دیگری ندارد عیناً دولت نماینده اش آمده است و این مسئله را بر تریبی که تفکیک شده حل کرده اند حالا اگر نقطه نظر این است که جای این مسئله عوض شود اهتیت ندارد ولی اگر آقایان تصور میفرمائید کم یا زیاد است ممکن است پیشنهاد نمایند ولی اگر میفرمائید در قانونی که بنده میآید این مواد مجازات در آن جایز کر شود تصور میکنم جز بقریب

رهنما خبر - در اینجا اگر در اصل مجازات صحبت می شد که کم است یا زیاد است احساس می شد که شاید نسبت باین ماده مغایرتی باشد
ولی اصولاً بنده مخالفی نمی بینم فقط بعضی از آقایان تقاضا دارند جای این ماده عوض شود
البته آقایان میدانند در شور اول که این مسئله مطرح شد هم برای اشخاص که علامت صنعتی را برخلاف ماده ۱۱ سؤال نموده اند و هم برای اشخاصی که اشیاء دارای علامات تقلبی و ساختگی را دانسته بفروشند یک مجازات معین شده بود و بعد مراجعه شد به کمیسیون و در کمیسیون آقای سردار معظم خراسانی که حالا وزیر هستند تشریف آورده اند و بالاخره با توافق نظر ایشان قضیه تفکیک شده و برای هر کدام یک مجازات معین و البته آقایان تصدیق میفرمائید این است که در کمیسیون نماینده دولت حاضر شده و موادی را که بکمیسیون مراجعه میشود متناسب با قانون اصلاح کند و اینجا هم همانطور شده نماینده دولت در کمیسیون حاضر شده و مجازاتها بطریقیکه ملاحظه میفرمائید متناسب با قانون معین شده و بقیه بنده مراجعه این مواد بکمیسیون عدلیه جز بتأخیر افتادن هیچ نتیجه دیگری ندارد عیناً دولت نماینده اش آمده است و این مسئله را بر تریبی که تفکیک شده حل کرده اند حالا اگر نقطه نظر این است که جای این مسئله عوض شود اهتیت ندارد ولی اگر آقایان تصور میفرمائید کم یا زیاد است ممکن است پیشنهاد نمایند ولی اگر میفرمائید در قانونی که بنده میآید این مواد مجازات در آن جایز کر شود تصور میکنم جز بقریب

افتادن لایحه نتیجه دیگری نداشته باشد این است که تقاضای می کنم حالا که نماینده دولت هم آمده و مسئله را باین ترتیب حل کرده است آقایان هم همین طریق رای بدهند و این طور بهتر است.

رئیس - آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - بنده موافقم. رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم.

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافق یا قابل توجه بودن این پیشنهادند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رای میگیریم باده و از دهم.

کلزونی - بنده پیشنهاد دارم.

رئیس - خوب است آقایان پیشنهادها را زودتر تهیه کنند

(پیشنهاد آقای کلزونی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوازدهم اینطور اصلاح شود:

اشخاصی که برخلاف ماده یازده ملامتی را تقبلاً استعمال کردند بر حسب تقاضای مدعی صاحب علامت بمعکله صالحه جلب و برطبق قوانین جاریه محاکمه و مجازات خواهد شد

رئیس - آقای کلزونی (اجازه)

کلزونی - مسلم است که هر کس بر خلاف قوانین جاریه مرتکب خلایق شود بایستی مجازات شود لکن خلاف منحصراً بعلامت صنعتی نیست خلاف در کلیه امور ممکن است بشود و هر یک از آنها هم مستوجب مجازات است بنده می بینم اینجا قید میشود (ازده روز الی یکسال) چطور حس کرده اند که باید ازده روز الی یکسال شخص متخلف باید حس شود؟ و این همه تفاوت از روی چه مدرك تشخیص داده میشود چطور میشود یک نفر آدم را یک محکمه حکم کند در روز حبس شود و یک نفر دیگر را که همان تقبلاً را نموده محکوم بیک سال حبس کند کسی که تضارت میکند این تفاوت را از روی چه مدرك تشخیص میدهد بدیهی است از روی نظریات شخصی خودش بعلوه جریمه نقدی معلوم نیست از روی چه میزانی معین شده این چه تقبلی است که مستوجب این مجازات است شاید همین تقبلی بگنجانم جریمه بیک روز حبس داشته باشد یا شاید اصلاح و جریمه نقدی لازم نباشد فقط باید تهدید شود بعلوه اینجا مینویسد شخص فروشنده هم باید حبس هم باید جریمه نقدی شود در صورتیکه شخص فروشنده از کجا میداند که فلان علامت روی

فلان جنس تقبلی است این جریمه را باید صاحب علامت بدهد بفروشنده چه ربطی دارد در دهانی که از قانون اطلاع ندارند قرصاً بکنند دهانی یک مالی را بدون اینکه توجه به علامتش داشته باشد فروخت باید آن بپاره را هم حبس کنند و هم جریمه نقدی از او بگیرند این چه ترتیبی است با طرز جریان امور آقایان باید ملاحظه کنند و دقت فرمایند که این مسئله اسباب زحمت و اشکال برای مردم نشود. ممکن است در آتی یک تعبیراتی در این قانون بشود که اسباب زحمت و گرفتاری اکثر مردم باشد. این است که عرض کردم هر گاه کسی تقبلی کرد بمعکله صالحه جلب شده و برطبق قوانین جاریه محاکمه و مجازات شود

آقا سید یعقوب - این توضیح بود باین زیادتی؟

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - جزو کمیسیون هستند؟

آقا سید یعقوب - بلی رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب بنده گمان میکنم فرمایش آقای کلزونی همان مسئله بود که حضرت والا فرمودند. که ماده مجازاتی برود بکمیسیون عدلیه و به محاکم صالحه رجوع شود.

البته تصدیق میفرماید که محکمه صالحه هم باید یک ماده در دستش باشد که متخلف را مطابق آن ماده قانون مجازات کند ما حالا آن ماده قانون را معین می کنیم این ماده هم می رود به آن محکمه و آن محکمه مطابق وجدان و دیانت خودش حکم میدهد.

ما اینجا می نویسیم که شخص متخلف فلان قدر مجازاتش است این می رود به محکمه صالحه و در آنجا بوقوع اجرا می گذارند.

رئیس - رای گرفته می شود بقابل توجه بودن این اصلاح آقایان موافقین با قابل توجه بودن قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۱۲ باین طریق اصلاح شود:

ماده ۱۲ اشخاصی که برخلاف ماده ۱۱ علامتی را دانسته الی آخر.

(چهار فقره پیشنهاد نیز بشرح ذیل قرائت گردید)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ بترتیب ذیل اصلاح شود (اشخاصی که برخلاف ماده ۱۱ علامتی را استعمال نمودند و هم چنین اشخاصی که اشیاء دارای علامت تقبلی و ساختگی را دانسته بمرش فروش و مماله بگذارند مطابق مقررات قانون جزای

دولتی مجازات خواهند شد. یا سانی. بنده پیشنهاد می کنم که مجازات از پنج روز الی یک ماه معین شود. رضا دامغانی.

پیشنهاد می کنم قسمت اول ماده ۱۲ بطریق ذیل اصلاح شود: اشخاصی که بر خلاف ماده ۱۱ علامتی را استعمال نمودند از ده روز الی یکسال حبس محکوم و یا از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان به صندوق دولت دادنی خواهند بود. سهام السلطان - روحی.

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۱۲ اضافه شود: تا موقعی که قانون جزا تصویب و برای تقلبات عموماً مجازاتی معین گردد. هره زری.

رئیس - آقای طهرانی. (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - گمان میکنم آقایان اعضاء کمیسیون نوزم به بعضی و تکثیر به بعضی را قائل شده اند در در مملکت ما از هزار نفر یک نفر سواد ندارد و از هزار نفر سواد دار یک نفر روزنامه نمی خواند که علامت صنعتی را ملتفت شود متعلق بشیر است یا خبر که از ده روز الی یکسال حبس شود.

ممکن است یک نفر در طهران یک علامتی را بفروش اختصاص دهد و به نیت برساند و یک تاجر دیگر در همدان یا کرمان یک علامتی برای خودش معین کرده باشد که تطبیق کند با علامت تاجر طهرانی در صورتی که بدون علم و بدون اطلاع از اینکه یک چنین قانونی هست بوده و باسواد نداشته

یاد نقطه بوده که اصلاً روزنامه با آنجا نمی رود.

آن وقت این شخصی را بیاورند از ده روز الی یک سال حبس کنند؟ این خوب ترتیبی نیست و عقیده بنده این است به همین طریقی پیشنهاد کرده ام اگر اشخاصی دانسته برخلاف ماده یازده علامتی را استعمال نمودند آن اشخاص باید فلان مجازات بشوند

رئیس - آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - گمان میکنم لفظ دانسته اینجا مورد نداشته باشد مورد آن در قسمت دوم است کمیسیون هم قبول کرده و در اینجا دیگر مورد ندارد و این مثل این است که مثلا در قانون عدلیه موعده معین برای تمیز است

اگر آمدیم گفتیم قانون عدلیه را نخواندیم و از تمیز اطلاع نداریم باین واسطه پنج روز حبس مهلت بدهید آیا قبول میشود؟ عقیده بنده ندانستن مدت تمیز و دانستن باندانستن قانون و تقوین روزنامه دلیل نمیشود که ما قانون وضع نکنیم.

یک کسی هم می آید میگردد من نمیدانستم مدت تمیز تمام شده یا میگوید من قانون را نمیدانستم و مجازاتی هم متوجه من نمیشود این ترتیبی را که فرمودند در تمام موارد ممکن است پیش بیاید و اسباب اشکال میشود این است که در اینجا کسی که خودش استعمال کند و مؤسس باشد آن را متصرفانست و مجازات شدیدتری برایش معین کرده اند ولی آن کسی که بفروشد آن مؤسس نیست چون مؤسس باید بداند و مال غیر استعمال نکند. آقایان اینجا همیشه یک جنبه اش را در نظر میگیرند که یک کسی ندانسته یک کار غلطی کرد ولی از آن طرف حقوق سایرین را هیچ نمیخواهند معلوم کنند. یک کسی زحمت کشیده یک حق را برای خودش ثابت کرده و از دولت اجازه گرفته حالا من بعنوان ندانستگی حق آنرا باطل کنم و اینچاهم ما یک ماده وضع کنیم که چون ندانسته این کار را کرده است معفو است و مجازاتی متوجه او نمیشود!! اینکه صحیح نیست!! دیگر اینکه سایر آقایان اظهاراتی راجع به مجازاتهای این نمودند این منایش این است که این قانون لغو شود و هیچ معنی نخواهد داشت.

مخبر - عرض کنم در اینجا البته آن نکته را که آقای طهرانی متذکر شدند یک نکته اساسی است ولی اگر تاملش نکنند بهتر است

اولاً تصدیق میفرمایند که اگر امتیاز علامتی را یک کسی دادند ممکن است یک شخصی عمداً بیاید و آن علامت را استعمال کند و بگوید من نمیدانستم و یک ضرر چند هزار تومانی متوجه یک کارخانه یا یک تجارتخانه نماید. این البته یک موضوع قابل توجهی است و نمیشود بطور لاتی و با نظری اجمالی گنواوند. زیرا آن شخص صرفاً اینکه من نمیدانستم بالکل مال التجاره و علامت آن صاحب امتیاز را خراب میکند و میگردد من نه روزنامه خواندم و نه مذاکرات مجلس را فهمیدم و این کار را هم از روی عدم علم و دانائی کرده ام ولی علامت آن شخص را متزلزل میکند و دیگر مال التجاره او در بازار رواجی پیدا نخواهد کرد. پس بنابراین اگر پیشنهاد طهرانی بود که آقایان اعضاء کمیسیون هم موافقت کنند ولی متأسفانه پیشنهاد ایشان این قسمت را تأمین نمی کنند.

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود و رای میگیریم (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دامغانی. (بعضی سابق خوانده شد)

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - اشخاصی که بر خلاف ماده (۱۱) علامت صنعتی را که متعلق بشیر باشد استعمال کنند و در تقصیر برای آنها تصور میشود، یکی اینکه نسبت بحق دیگری تخطی کرده اند و یکی اینکه چرا بدون اجازه دولت یک همچو اقدامی را کرده اند و علامت دیگری را استعمال نموده اند اما در آن قسمت اولی که تعدی نسبت بحق دیگری شده این حق است متعلق به دیگری و تقاضای مجازات هم بعهده دیگری است و البته مجازاتش هم معلوم است یعنی خساراتی را که بدیگری وارد آورده باید جبران کند و آن خسارات را اگر مدعی توانست در محکمه صالحه ثابت کند البته میگیرد و اگر خسارتی نخواست احقاق حقش را بکنند و خسارات وارد بر خود را از شخص مدعی علیه بگیرند که آن امریست علیحد و منوط بترتیب خاطر مدعی است. و اما در آن قسمت که تعدی نسبت بحق دولت شده است یعنی بدون اجازه دولت بکار را کرده است البته بر آن یک مجازات باجرم متناسبی باید معین کرد و از پنج روز الی یک سال حبس متناسب باینکه همچو تقصیری است و بعقیده بنده خیلی زیاد است همینطور هم وجه نقدی آن زیرا ممکن است دو نفر آدم بر خلاف ماده ۱۱ رفتار کرده باشند و آنوقت باختیار خودش قاضی بکنند و محکوم بپنج روز حبس بکنند و بکنند بیکسال بدون اینکه یک مرجعی هم فرض شده باشد و در اینصورت صلاح نیست مجازات را باختیار خود قاضی واگذار کرد که مطابق نظریات خودش حکومت و قضات کند و قدرت حبس را هم از پنج روز الی یکسال قرار دادن هیچ متناسب با این تقصیر نیست زیرا این تقصیر را نمیشود جنبه یا خبایاتی فرض کرد و مجازاتش را در ردیف مجازات جنحه و جنایت قرار داد و عقیده بنده این است در قسمتی که تعدی بشیر شده البته اگر خساراتی بفرو وارد آمده باشد آن خسارات وارد جبران شود یعنی اگر غیر بخواد در محکمه صالحه مطالبه حق خود را بنماید ممکن است رجوع بآن محکمه صالحه کند و در آنجا احقاق حق خود را بنماید و در آن قسمت هم که بدون اجازه دولت بکار را کرده است و مشغول دولت واقع شده مجازات آنهم از پنج روز الی یک ماه حبس کافی است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم با آقایانی که هالین هستند و یک چیزی میفهمند عرض کنم که جاهل قاصر هست جاهل مقصر هست الان بیست سال است مملکت قانونی شده قانون مجازات برایش نوشته شده است و در اینصورت آیا ممکن میشود یک مجازاتی در عدلیه ثابت شود که این شخص دانسته این کار را کرده این شخص جاهل مقصر است برای اینکه خودش فرقه اطلاع پیدا کند.

(بعضی از نمایندگان - خارج از موضوع است) ایراد میفرمایند خارج از موضوع است خیر هیچ خارج از موضوع هم نیست. فرمایش آقای شریعتمدار ابتدا مورد ندارد جهت اینکه ملاحظه قانون مجازاتی نداریم که هر کس تقبلی از قانون کرد بصرف اینکه بگوید من نمیدانستم مجازات نشود که آقایان رای دادند این مجازات یکسلی تعلق میگیرد که دانسته اینکار را کرده باشد خوب البته هر کسی تقبلی کرد میگردد من نمیدانستم و اطلاع نداشتم میگردد این ماده هم اشخاص بی اطلاع را مستثنی کرده است و نباید مجازاتی درباره آن اجرا شود

(بعضی از نمایندگان - بطور همهمه - خارج از موضوع است)

آقا سید یعقوب - صبر کنید آقایان خارج از موضوع کدام است. بنده باین چیزها هو نیشوم و از میدانم در نبروم دو ساعت فریادمیزنم که ثابت کنم خارج از موضوع نیست و خارج از موضوع حرف نمیزنم. در مملکتی که قانونش اعلان میشود شش ماه فرجه میدهد در روزها مجازات و مجلات صنعتی و فلاحتی و تجارتی اعلان میکنند تا عموم افراد مملکت از اینستنه مستحضر شوند آن وقت در اینصورت چطور مایوتانیم در اینجا یک همچو قیدی بکنیم؟

زیرا در هر جا بنویسیم مجازات پنجروز است فوراً میگردد من نمیدانستم و ما هم کدر اینجا مستثنی کرده ایم اشخاص بی اطلاع را.

این عدم علم یک سیر بزرگی است برای متخلفین از قانون زیرا فوراً متسک میشود باینکه من نمیدانستم پس بنابراین خوب است آقایان اجازه بدهند این ماده بر گردد بکمیسیون و آقایان پیشنهاد کنند گان هم تشریف بیاورند در کمیسیون و ملهم عرایض خودمان را در آنجا برش آقایان میرسانیم و آقایان هم نظریات خودشان را بفرمایند بلکه یک طوری این مسئله اصلاح شود والا با اضافه کلمه دانسته به کلی اصل مجازات از بین می رود و دیگر جای اینکه حد اقل اکثر برایش معین کنند باقی نمی ماند.

مخبر - در پیشنهاد اولی که قابل توجه شد علتش این بود که صحیح بود و متخلفین باید بدانند تا مجازات بشوند ولی خوب است در اینجا آقای دامغانی قدری التفات بفرمایند زیرا قانون را نیابتی بر له اشخاص منقلب نوشت البته این که پیشنهاد کردند از پنج روز الی یک ماه حبس باشد این صحیح است ولی این فکری است که ممکن است ما برای یک اشخاصی قائل شویم که مجازاتشان کمتر است ولی از طرف دیگر باید دید وقتی که آن اشخاص نسبت بسایرین صدمه میزنند و باید مجازات شوند مجازاتشان این اندازه کافی نیست زیرا پس از آنکه

خانه و تجارت یک کسی را خراب کردند و صدهزار تومان خسارت وارد آوردند و مجازاتی هم درین نباشد البته ترویج تقابل میشود در صورتیکه در سایر ممالک که معارفشان هم کامل است برای جلوگیری از تقابل یک مجازاتهای خیلی زیاد و شدیدتری قرار میدهند ولی آنوقت ما میخواستیم در یک مملکتی که هنوز معارفش تعمیم نشده اینطور در مجازات اشخاص اشخاص منقلب مسامحه کنیم.

با اینکه ثابت شود که این شخص از روی تقبلی این کار را کرده معذالک تمام مجازاتی برای او قرار ندهیم این تقریباً ترویج و تشویق تقبلی خواهد بود.

بنا بر این اگر آقایان موافقت بفرمایند و این مجازاتی که فعلاً معین شده قدری شدید تر و سخت تر بنمایند گمان میکنم حیات اشخاص درست کار و اشخاصی که بملکت خدمت کرده اند تأمین میشود.

زیرا پس از آنکه یک کسی آمد یک علامت تقبلی را استعمال کرد و آنوقت یک ماه بیست روز حبس برایش معین بکنند آن هم این حبس هائی که خیلی بی اهمیت است البته برای اوضوری نخواهد داشت و حاضر است این تقبلی را بکنند و این حبس جزئی را هم بشود بنابراین بنده تقاضا میکنم اگر ممکن است این پیشنهادشان را پس بگیرند.

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای دامغانی.

آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

آقای یاسانی پیشنهاد جنابانی هم رای بگیری؟

یاسانی - بلی اجازه بفرمایند یک توضیحی هم بدهم؟

رئیس - در واقع با اصلاح آقای طهرانی موافق است.

یاسانی - خیر نتیجه مجازات فرق دارد.

رئیس - بفرمایند.

یاسانی البته آقایان که علامتند که هستند قانونی که در مجلس وضع میشود خارج از چند قسم نیست یک قانونی است اساسی یا مثل اصول حفاظت الصحه که برای افراد جامعه وضع میشود و گفته میشود که جان و مال هر کسی از تعرض مصون است این یک اصلی است از قانون اساسی یک قوانین دیگری هم هست که موسوم است بقوانین قضائی و عبارت است از قانون نطبایت اجتماعی یعنی کسیکه تعرض کرد بجان و ناموس کسی ترتیب رسیدگی باین تعرض چیست؟

یک نوع قوانین دیگری هم هست که

بنا به مدارا و معالجه است که اگر تخلف پس از قضاء ثابت شد چطور باید این مریش اجتماعی را مدارا کرد و گمان میکنم اگر آقایان توجه بفرمایند در این پیشنهاد آقای دامغانی که تخلف از قانون را حبس قرار داده اند صحیح نیست و اساساً در این قانون علامت صنعتی و تجارتی تعیین مجازات بعقیده بنده هیچ مناسبت ندارد زیرا اگر ما برای هر قانونی که وضع می کنیم در همان قانون پیش بینی مجازاتش را بکنیم دیگر گمان میکنم قانون مجازات معنی نداشته باشد زیرا قانون مجازات دولتی که فردا به مجلس می آید دارای اصول مختلفه است که یک فصل آن راجع به مجازات تقلبات مردم است و البته در آنجا هم یک موادی مقرر و مدون شده است و دیگر در این قانون وضع یک ماده مجازات در آتی موجب اشکالات برای قضاة و معاکم میشود و بعقیده بنده این ماده بیبایست اساساً حذف شود و اگر قائل بعطف آن نشویم باید آنقدر قائل بشویم که مجازاتش را موقوف به قانون جزای دولتی به کنیم و بنویسیم اشخاصی که برخلاف ماده ۱۱ علامتی را استعمال میکنند بر اثر تقبلی مجازاتشان همان است که در قانون جزا معین شده است و قانون جزاهم عقرب به مجلس خواهد آمد.

در اغلب از قوانین هم این ترتیب را معمول داشته اند و مجازاتها را حاله داده اند بقانون جزا این است که بنده پیشنهاد کرده ام که مجازاتش باشد کدر قانون جزای دولتی مقرر است.

مخبر - اساساً ما باید بخترع یک وضعیتی باشیم تا اینکه نزدیک کنیم کارهایمان را به ترتیبی که سایرین معمول داشته اند این قانون مجازاتش باید پشت سرش باشد. اصلاً قانون از کجا جزا از بلنده میشود.

البته از همین موارد معین میشود و علت اینکه مجازات هر قانونی را در همان لایحه قانونی معین می کنند برای این است همیشه در نظر قانون آن قانون باشد زیرا اگر یک کسی بیاید یک علامت صنعتی را امتیازش را بگیرد و بفروش اختصاص بدهد وقتی که این قانون علامت صنعتی را میخواهند تکالیف خودش را مینهد و ملتفت میشود که تخلف از آن تکالیف چه مجازاتی را متوجه او میکنند ولی اگر مجازاتش را در اینجا بنویسیم آنوقت بایستی برود در شصده هفتصد ماده که در قانون جزا هست گوش کند تا اینکه به هیئت آنجا چه مجازاتی را برای متخلفین از قانون علامت صنعتی معین کرده است.

بنابراین این چیز تازه نیست که ما بخواهیم این قبیل پیشنهادها و لایحه که می آید مجازاتش را در خود همان لایحه قرار بدهیم و دیگر اجازه حاله ندهیم باینکه برود در شصده هفتصد ماده بگردد تا مجازاتش را

بفهمد این ترتیب در همه جا معمول است و در تمام قوانین سایر ممالک هم همین طور است که مجازات هر قانونی را در همان قانون معین میکنند.

زیرا يك نفر که قانون علامت صنعتی را می بیند تمام قسمتهایش را مراجعه میکند متوجه آن را میفهمد و فوایدش را حس میکند مجازاتش را ملتفت میشود و از همان فرار رفتار میکند البته این بهتر است تا اینکه بگوئیم برود و بقانون جزای عمومی که هنوز به مجلس نیامده مراجعه کند.

بنابراین علت ندارد که ماده مجازات را از اینجا حذف کنیم و احواله بدهیم قانون دیگری.

رئیس - آقای معاضد السلطنه عضو کمیسیون هستند؟

معاضد السلطنه - خیر.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود.

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه توجیه نشد. آقای روحی

(اجازه)

سر کشیک زاده پیشنهادشان قرائت شود.

رئیس - يك مرتبه خوانده شد بازهم در موقع رأی گرفتن قرائت میشود آقای روحی

(اجازه)

روحی - در ماده ۱۱ یازدهم مجازات معلوم شده است یکی حبس و یکی هم جزای نقدی ولی بنده معتقدم که با حبس بشود و با جزای نقدی بدهد این است که در آن پیشنهادی که تقدیم کرده ام کلمه (یا) اضافه شده است که با حبس بشود و با جزای نقدی را بدهد.

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود و رأی میگیریم.

(پیشنهاد آقایان روحی و سهام السلطان مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مخبر - در اینجا ما اساساً اگر يك قسم را از نظر دور کنیم آنوقت با این ماده موافقت خواهیم کرد و آن این است که يك نفر متقلب را بعد از آنکه معلوم شد که تقلب کرده و برایش زنده گانی يك کسی کسی صدمه زده و تجارت يك کسی را از دستش گرفته است حقیقه دارد برایشه حیات يك فامیلی صدمه میزند و با کمال اصرار هم تقلب میکند دیگر ماجرا رفت و مهربانی درباره اوقاف بشویم این رفت و مهربانی دو باره شخص متقلب اسباب صدمه زدن بزند گانی و حیثیات يك جامعه است آقایان من رفتشان را از یکطرف منظور

میکند و اگر رفتشان را شامل آنطرفی که يك بیچاره بدبختی با کمال درستی و حسن عمل کار میکند و زنده گانی خود و فامیلش را تأمین میکند (و آنوقت يك شخص متقلب میآید آن درستی و صحت عمل او را ضایع میکند و نان خود و فامیلش را قطع میکند) بنشیند بهتر است.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای سهام السلطان و روحی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (ممدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای هرمزی در باره پیشنهاد جناب عالی گویا نمیتوان رأی گرفت

(پیشنهاد آقای هرمزی نیز بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی که قابل توجه شد گویا در این باب دیگر نمیشود رأی گرفت

بعضی از نمایندگان صحیح است. مدرس - منقذات ندارد موقتی است. رئیس - پیشنهاد آقای اخگر (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جزای حبس اساساً حذف شود و فقط جریمه نقدی مدین شود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - اساساً قانونی که مطرح است باید منشاء و اصلش را فهمید که چه احتیاجاتی ما را مجبور به وضع يك چنین قانونی کرده است.

در این مملکت صنایعی از قبیل صنایع مملکت آلمان وجود ندارد کشتی سازی نداریم کارخانه ساهت سازی نداریم که اگر کسی بیاید مثلا علامت این کارخانه ساعت سازی را استعمال کند بنده میلیون ساعت آن کارخانه ضرر وارد کند. البته معلوم است که ما باید با اندازه صنایعمان جزا معین کنیم که اگر کسی برخلاف این قانون رفتار کرد چه اندازه مجازات شود.

اینکه بعضی از آقایان میفرمایند ریشه تجارت را قطع میکند مال و خانه آن شخص و فامیلش را میبرد اینطور نیست فرضاً يك نفر سبک کار فروش علامت شاخ و برگ میکند روی سبک کارهایش و این را باید حبس کنند؟ که هم خودش از گرسنگی بمیرد و هم فامیلش برای اینکه پنجقران بمان سبک کار فروش خسارت وارد آورده؟ بنده گمان میکنم حبس خیلی اهمیت داشته باشد.

زیرا اگر کسی خلاف و خطائی از او صادر شد خودش مستوجب تنبیه و ملامت است نه کسیکه با او بستگی دارند. ملاحظه بفرمائید قطره مرد است که با پستی از عهده متخارج يك معامله برآید وقتی که او را برنده حبس کردند آنوقت زنده بماند است. گفتش

تمام از گرسنگی خواهند مرد.

آیا سزاوار است که برای خاطر اینکه يك علامت بزرگ موی را که فلان سبک کار فروش استعمال کرد و يك کسی برخلاف قانون آن علامت را استعمال کند او را ببرند حبس کنند و وزن و بوی او را گرسنگی ببرند؟ بعقیده بنده هر خلاف و خطائی يك درجه مخصوصی مجازات دارد و اگر بخواهند اینطور سخت گیری کنند و این مجازات را قائل شوند برای شخص متقلب بنده گمان میکنم اسباب زحمت خواهد شد زیرا بعضی از این صنایع بقدری خجالت آور است که بنده اسم ننویسم. و اگر در مقابل این خلاف ریشه حیات طرف قطع میشود.

پس سر این شخص متقلب را ببرند. آخر هر مجازاتی باید اندازه خلاف باشد. فرضاً يك کسی تو تون یا تانبا کو میسازد یا اینکه آن صنعت بالاتر یا که قالی است میبافد و يك علامت صنعتی برای خودش وضع میکند اولاً باید فهمید که آن علامتی را که دیگری استعمال میکند چقدر ضرر بآن شخص صاحب علامت وارد میکند و باید آن ضرر را بوسیله جزای نقدی جبران کند زیرا اساساً آن کسی که برای جلب نفع يك کار تقلبی میکند او مقصر است و از او باید جزای نقدی بگیرند تا دیگر مرتکب نشود ولی حبس کردن و گرفتن آزادی از اشخاص آنهم کسانی که باید حیات يك صدمه تأمین کنند و اغلب بیچاره هستند خلاف وجدان است.

بنابراین عقیده بنده این است که اگر همان جزای نقدی برای متخلف معین شود کافی بلکه بازهم زیاد است.

مخبر - در اینجا دو صورت دارد. ممکن بود آقای اخگر عکس قضیه را پیشنهاد بکنند یعنی حبس بشود ولی جزای نقدی نهدد زیرا ممکن است یون نداشته باشد. خوب حبس که نشود پول هم که نهدد پس باید متقلب را در شهر ول کند تا هر کاری دلش میخواهد بکند. اگر شایك روزی در اینجا رأی دادید که دزد را حبس نشوند و آزاد باشند آنوقت در این مورد هم رأی بدهید که متلقین آزاد باشند ولی این غیر از صدمه زدن بطرف و اجازه خلاف قانون دادن فایده دیگری ندارد در صورتیکه شدیداً از تقلب باید جلوگیری کرد.

در آلمان و فرانسه و انگلیس با اینکه مدرسه هست و معارفش عمومیست دارد معهدا برای اجتناب از تقلب مواد شدیدی وضع میکنند ولی ما که در مملکت مدرسه نداریم و گروه بیچاره زیاد است آنوقت اجازه بدهیم که اشخاص متقلب هر کار میخواهند بکنند این نمیشود باید حدود اشخاص را محدود و از تقلب جلوگیری کنیم تا نظائر پیدا نکند.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه با قابل توجه بودن این پیشنهاد

موافقت قیام فرمایند. (عده قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده سیزدهم قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۴ - دروداشیاه وامنه مختلفه از خارجه بداخله مملکت باعلاماتی که بوجوب این قانون قلب شناخته شوند ممنوع است و نسبت بآنها مقررات قانونی راجع باشیاه ممنوعه مرهسی و مجری خواهند شد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - این ماده میگویی اشیائی که از خارجه وارد میکنند در صورتیکه دارای علامتی باشد که موافق باشد با يك علامتی که کس امتیاز آن را گرفته وارد کنند باید مجازات شود گمان میکنم این مسئله يك تکلیف مالا یطاق برای تجار و انجام آن از عهده اختیار آنها بیرونست. مال التجاره از فرنگستان وارد میکنند مثلا ممکن است يك آفتاب روی آن مال التجاره بطور علامت باشد. ممکن است اینجا هم يك نقی امتیاز آن علامت را گرفته و بخودش تخصیص داده باشد آنوقت باید اموال آن تاجر ضبط و خودش هم حبس شود.

سؤال میکنم آیا برای این مملکت این قانون طبیعی است؟ آیا آن تاجر میتواند از تمام امتیاز علامت که مردم دارند مستحضر باشد و همیشه در نظر داشته باشد مثل اینکه ما خودمان از تمام قوانین موضوعه مطلع هستیم و هیچوقت از نظرمان معور نمیشود؟ او هم تمام علامت صنعتی که اجازه داده شده در نظر داشته باشد؟ يك تاجر يك شیشی را وارد میکند که يك علامتی دارد ممکن است امتیاز آن علامت را در انتهای آذربایجان دیگری گرفته باشد حالا آن شخص وارد کننده باید مورد جرم واقع شود؟ بعلاوه مسئله راجع به خارجه است و هلامات خارجه چه ربطی به هلامات داخله دارد خوب است این مسائل قدری از هم تفکیک شود.

تاجری که کلاس خرید و فروش با وارد و صادر کردن مالی از خارجه بداخله یا از داخله به خارجه است هیچ ارتباطی بامواد این قانون ندارد و نمیخواهد هم داشته باشد شایراً اسباب زحمت برای او فراهم میکند فرضاً اگر تاجری متاهی را در خارجه دید که علامتی داشت آنوقت آن علامت را باید با وارد در این مملکت و با تمام علاماتی که در این مملکت مردم گرفته اند تطبیق کند؟ این کارها برای يك تاجر عملی است؟ بنده گمان میکنم عملی باشد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - چون آقای کازرونی مکرر مطلب را فرموده بنده مقصود ایشان

راهمیدم ایشان میخواهند بگویند اشیائی که در مملکت نیست چطور ورودش ممنوع باشد؟ این قانون برای اشیائی است که ورودش در مملکت ممنوع است و البته اشیاء ممنوعه را دولت اطلاع میدهد ما وزارت خارجه داریم.

وزارت فوائد عامه داریم. نماینده تجارنی داریم و با تمام دول روابط بین المللی داریم. البته پس از اطلاع دادن مخصوصاً با کلمه دانسته که در این جا قابل توجه شد رفع معذور میشود و تاجر مستحضر میشود و اشیاء ممنوعه محرز میشود پس از ذکر این مقدمات آن وقت اگر اشیائی که دارای يك علامت تقلبی باشد و بخواهد بداخله مملکت بیاید اداره گمرک باید با آن اشیاء چه نوع معامله بکند؟ البته وقتی که شیشی دارای وصف ممنوعیت شد باید از ورود آن جلوگیری شود.

رئیس - رأی گرفته می شود بساده سیزدهم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۴ - ثبت و تصدیق هر علامت که برخلاف مقررات این قانون بعمل آمده باشد خالی از اعلان خواهد شد نسبت بهلاماتی که از تاریخ تحصیل اجازت ملی سه سال برای مقصود با مقاصدی که گرفته شده اند استعمال نشود همان رفتار خواهد شد.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان خیر.

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه ماده چهاردهم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده پانزدهم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پانزدهم - اتباع خارجه که در ایران دارای تأسیسات صنعتی و تجارنی هستند با اجناس با مارک خود بایران ارسال میدارند در صورتی بایق تربیبات مقرره این قانون از فوائد آن بهره مند خواهند شد.

رئیس - مخالفی ندارد؟ آقایان موافقین.

این ماده قیام فرمایند.

(جمعی از نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. اگر تصویب میفرمایند. بقیه اش همانند برای بعد از تنفس.

جمعی از نمایندگان صحیح است. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسیاحت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده شانزدهم قرائت میشود. (بشرح آتی قرائت شد)

ماده شانزدهم - دولت میتواند بواسطه قرارداد های بین المللی استعمال مانع الخف.

علامات صنعتی و تجارنی اتباع خارجه و یا خارجه را که در خارج از حدود ایران به صنعت و تجارت مشغول هستند در صورتی بایق شرایط مقرره این قانون و بشرط متقابل نسبت به الامات ایرانی در ایران تأمین نمایند.

علامات صنعتی و تجارنی خارجه ممکن است بروفق شرایط معینی که از طرف وزارت تجارت مقرر خواهد شد بوسیله قونسولگری های دولت علیه نیز در خارجه برای ثبت و تصدیق وزارت تجارت فرستاده بشود.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رأی میگیریم آقایانیکه ماده شانزدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفدهم (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده هفدهم - وزارت تجارت مجله صنعتی و تجارنی اجازه داده شده و معلومات لازم و اعلانات و احکام قضائی راجع بآنها بوده و بعلاوه قوانین و نظامات و عهد و وعده مربوطه بهلامات صنعتی و تجارنی را نیز بوسیله آن مجله منتشر خواهد نمود.

وزارت تجارت به ایدعلامات صنعتی و تجارنی تصویب شده رادر ظرف مدت شش ماه از تاریخ ثبت در مجله مزبور بطبع رسانیده منتشر نماید.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده خیلی متأسف هستم که اوقات گرانبهای مجلس باین حوائجی که مملکت دارد صرف چیزهایی میشود که در درجه صدم بلکه هزارم واقع است ولی در هر صورت حالا طرح شده است. و قوانین هم طوری نوشته میشود که ایرادات زیادی دارد که باید و کلاً دائماً پیشنهاد کنند.

در مقاله آقای تقی زاده بنده دیدم مخصوصاً همان نکته را تذکر داده بودند که در قوانین آن اندازه که باید دقت نمیشود که وقتی اصلاح ببارتی را هم باید در مجلس تذکر بدهند و اینکه بنده يك قسمت از اوقات مجلس را صرف میکنم از روی لاعلاجی است والا شهوت کلام ندارم اساساً بنده عقیده ندارم در کارهایی که مخصوص مردم و هیئت جامعه و ارباب حرف است دولت دخالتی بکنند مثلاً وزارت عهده دار میشود.

این از وظیفه شرکتهای سرمایه دارها است که بیاید و کاری راه بیندازند که هم خودشان استفاده کنند و هم مسئولیت بیشتری در مقابل دولت داشته باشند.

تجربه رسیده هر کاری که خود دولت اداره میکند چون مسئولیتی کمتر است

انتظار که باید خوب انجام نیگیرد چنانکه سابقاً بنده دیدم راه دست دیگری بود خیلی بهتر اداره میشد و پشت هم زودتر میرسید مخصوصاً یکی از کارهایی که بنیاد دولت در آن دخالت بکند روزنامه نویسی است که هر روز از خانه برای خودش يك مجله بنویسد مخصوصاً در سابق در همین روزنامه يك مجله تأسیس شد و بنده خودم دیدم که يك اداره وسیعی برایش تأسیس شد و رئیس مجله هم حقوق مدیر کلی میگرفت و در آن مجله آدرسهای بعضی از تجارخانه های اروپا چاپ میشد گاهی هم مقالات علمی ترجمه میشد و در آن مینوشتند از همین مقاله ها که روزنامه ایران و غیره آن ترجمه میکنند و مینویسند آنوقت يك بوجه سنگینی برای تأسیس این مجله پیش بینی شده بود بعلاوه در اینجا نقض غرض هم هست این مجله را برای چه تأسیس میکنند؟ برای اینکه انتشار پیدا کند و مردم بدانند که حکمی فلان علامت صنعتی را گرفته در صورتیکه بنده تصور میکنم مشت کینش بیشتر از صد نفر نشود و تک فروشی هم پیدا نکند.

روزنامه های یومی که همه چیز در آن درج میشود مهلهاتك فروشی ندارد چه رسد به جمله که قیمت گرانی خواهد داشت کی میباید چهار قران بدهد و مجله بخرد برای اینکه بداند کی فلان علامت صنعتی را گرفته است و کی میخواند که مثلا شش ماه يك مرتبه اگر يك چاقو سازی يك اجازه علامت صنعتی را گرفت و در آن درج کرده اند مطلع شود و من تصور نمیکنم در این مدت بیشتر از سه چهار نفر علامت صنعتی بگیرند و دیگر گمان نمیکنم این سه چهار علامت يك مجله مشروح و مفصلی لازم داشته باشد فایده این مجله چیست؟ در این ماده نوشته شده وزارت تجارت مجله انتشار خواهد داد که محتوی طرح علامت صنعتی و تجارنی اجازه داده شده و معلومات لازم. بنده نمیدانم چه معلوماتی دارد کتب و مجلات صنعتی اروپا را باید ترجمه کرد؟ فقط صاحبان حرفه میخواهند يك علامت صنعتی بگیرند این دیگر معلوماتی لازم ندارد تعجب میکنم

اگر حقیقه مقصود انتشار است که خوبست در یکی از جراید یومیه انتشار بدهند که آنگاه بیست هزار نفر در مملکت میخوانند.

سه چهار هزار نفره طبع میشود و بولایات میروند بخارجه میروند بعلاوه بنده نمیدانم این مجله علامت صنعتی و تجارنی چه خدمتی میتواند بکند.

يك روز بنده در کسبیون بودم در آنجا گفتم که اگر دولت بخواهد این را بچرا بدهد خرج زیادتر خواهد شد بنده چون عضو کسبیون نبودم نمیتوانستم اظهار کنم

اطهار عقیده بکنم. ولی حالا عرض میکنم این طور نیست و اگر اساساً انتظار که بنده در نظر گرفته ام رفتار شود یکشاهی هم برای دولت خرج نخواهد داشت و آن این است از آن ده تومانی که از آن شخص باید بگیرند دو تومان کمتر یعنی هشت تومان بگیرند و خود او را مجبور کنند که در يك روزنامه اعلان کند در این صورت نه خرجی برای دولت پیدا میشود و نه دانه وسیعی در وزارتخانه لازم است و نه بروی مملکت چیزی تحمیل شده و نه برای گزیده علامت صنعتی زحمتی خواهد داشت و بعلاوه مقصود از مجله هم انتشار آن علامت صنعتی است بعامل آمده.

در روز نامه درج بشود بهتر است زیرا در تمام مملکت منتشر خواهد شد و بنا بر این بنده با تأسیس مجله برای علامت صنعتی مخالفم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواهم این فداکاری را بکنم.

ایکاش تمام روزنامه های که در مملکت است همین موضوع اقتصادیات و مسائل که راجع به تجارت و صنعت است می نوشتند. و بهترین چیزی که برای مملکت مفید و عام المنفعه است همین است که جرائد يك يك ستون از روزنامه خودشان را بزرگتو تجارت اختصاص داده و از اقتصادیات بحث میکردند که طرز صنعت و تجارت دنیا چه جور است.

اما چون مطبوعات آزادند ما نمیتوانیم آنها را مجبور کنیم آنها میخواهند عقاید خودشان را بنویسند.

ضمناً آقای شیروانی را تذکر میدهم که همان مجله صنعتی و تجارنی که در سابق بود اگر حالا او را بردارند و ملاحظه کنند خیلی از مقالات مفید برای تجارت و زراعت رادر آن مشاهده خواهند کرد. و اگر نظر شما بر این است که از تأسیس این مجله يك بوجه سنگینی بدولت تحمیل خواهد شد بنده عرض میکنم وقتی بودجه آن بمجلس آمد اگر دیدید زیاد است ممکن است در آن صحبت و مخالفت کند ولی در اصل موضوع تأسیس يك مجله که حاوی مطالب مفید برای تجارت و صنعت و زراعت باشد گمان نمیکنم مخالف باشد. زیرا ما ناچاریم مردم را براه اقتصادیات دعوت و هدایت کنیم. به سیاست باقی بنده عقیده ام این است که تأسیس این مجله خیلی خوبست و اگر وقتی که بمجلس آمد در آن صحبت میکنند.

اما اینکه میفرمائید کسی که میباید يك امتیازی را بگیرد خودش برود در يك روزنامه اعلان کند بنده عرض میکنم

که دولت مسئول اجرای مواد این قانون است آن شخص بلکه دلش نخواست گفت من اینکار را نمیکم من کرم مسئولیت دولت است و دولت برای اطلاع عامه باید اعلان کند .

ما نمیتوانیم کسی را مجبور کنیم و بگوئیم برود در یک روزنامه اعلان کن . بلی در قسمت بودجه اش چون شما یک نفر هم برز در مطبوعات هستید اگر دیدید که بودجه آن زیاد است بنده هم باشما موافق که اضافه آنرا لغو کنیم .

جمعی از نمایندگان - معاذ کرات کافی است .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود . (پیشنهاد آقایان کازرونی و اعتبار - الدوله بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۷ بطریق ذیل اصلاح شود:

وزارت تجارت در جرائد مجلی طرح علامات صنعتی و تجارتي را که اجازه داده شده انتشار خواهد داد و معلومات لازمه و اعلانات واحكام صنعتی و تجارتي را نیز بوسیله جرائد منتشر خواهد نمود .

وزارت تجارت باید علامات صنعتی و تجارتي تصویب شده را در ظرف مدت ششماه از تاریخ ثبت درجاریت در شش نوبت در آخر هر یک کتبه درجاریت منتشر نماید .

کازرونی - بلی بندهم آرزومندم که در آتیه نزدیکی تصویب کنیم که هر یک از وزارتخانهها یک مجله مخصوصی مختص بچودشان داشته باشند .

ولی این مسئله امروز برای ما در حکم آرزوست برای اینکه مابک حوائج لازمتری در پیش داریم .

اگر یک نظر عمیقی بوضعیات حاضره بکنیم تصدیق خواهیم کرد که تصویب این ماده از قانون مثل این است که یک بودجه مستانهایی برای وزارتخانه و برای حیات یک عدم معنی تصویب کرده باشیم .

اگر این عبارت را بردارند و آنچه را که ما پیشنهاد کرده ایم بگذارند بهتر است و چیزی هم زیاد نشده است .

آقایان تصدیق دارند که بمجرد اینکه ما این قانون را تصویب کنیم اول چیزی که فوراً صلی خواهد شد همان مجله اش است که در خارج مصداق پیدا میکند و یک تحمیل فوق العاده بر دولت میشود و با اینکه هر کدام از وزارتخانه ها در مقام خودشان دارای اهمیت فوق العاده است معلوم نیست چه جهت برای انتشار علامات صنعتی باید یک بودجه بالابندی تصویب کنیم که مثلا علامتی که فلان حجار یا غیر او گرفته و بخودش اختصاص داده در آن درج شود چطور وزارت داخله و عدلیه و غیره با آن اهمیتی که دارند هیچ کدام مجله ندارند و

بخصوص در این جا ما باید بتأمین یک مجله قائل شویم؟

چطور این علامت صنعتی ریشه حیاتی و مسامی شده بنده نمیدانم که فلسفه برای تأسیس این مجله نبیستم و این پیشنهادی که کرده ایم چندان منافات هم با این ماده ندارد و اگر روزی توانستیم و اقتصادیات ما اجازه داد که برای هر یک از وزارتخانهها یک مجله درست کنیم .

البته بتأسیس این مجله هم رای خواهیم داد ولی امر روز با وضعیت این مملکت تأسیس یک مجله جزء تعجیل بر بودجه نتیجه نخواهد داشت .

رئیس - آقای حاج عبدالملك (اجازه)

حاج عبدالملك در اینجا از دو نقطه نظریا این ماده مخالفت شد و پیشنهاد شد که در جراید مجلی درج کنند یکی از نقطه نظر بودجه پولی آن یکی اینکه این مجله را اهمیت نمیدهند بنده از هر دو نقطه نظر عرض میکنم که این مجله لازم است اولاً اینکه آقایان اعتراض میکنند که باید برای این مجله اداره تأسیس شود و یک پولی برای تأسیس اداره داده شود اینطور نیست تا این را برای تأسیس یک اداره نمیدهند تأسیس اداره مربوط باین است که بودجه یک وزارت خانه از مجلس بگذرد آنوقت مطابق آن بودجه وزیر میتواند یک تشکیلاتی بدهد ولی وزیر باستاد این ماده از قانون نمی تواند یک تشکیلاتی بدهد این یک چیزی است معارض .

ولی از آنطرف وزارت تجارت کارشان چیست؟

البته کار آنها این است که در عرض پولی که میگیرند همین کارها را بکنند و میکنند و پولی که تحمیل میشود فقط بوط بکاغذ و طبع است و از آنطرف این پیشنهادی که آقا فرموده اند متضمن همان خرج است زیرا کدام روزنامه میآید و متحمل مخارج میشود و مجاناً این را چاپ کند پس باید بهمان روزنامه هم یک چیزی داد و همین هم یک خرجی است از برای دولت .

و این قسمت را هم آقایان باید در نظر داشته باشند که یک تاجری که میخواهد از اعلانات راجع بعلامات صنعتی اطلاع پیدا کرده باشد مجبور است که تمام جرائد مجلی را آویزده خودو برای اینکه بداند مثلا در کدام یک از جراید اعلانی راجع بآن شده است که عمل احتیاج اوست بمقیده بنده این عملی نیست .

مثلا بنده تاجر باید تمام روزنامه ها را بخرم و ببینم کسی اعلانی راجع بامور تجارت کرده است .

ولی برای کار خودم و برای استفاده

از اوضاع و بصیرت دو امور تجارتي می- توانم سالیانه یک مجله را آویزده شوم و مجله هم خرجش اینقدر هاز یاد نیست ممکن است بیزان مخارجش فایده پیدا کند اگر برای خرج است همین پیشنهاد هم خرج استو اگر برای تأسیس اداره است این ماده اجازه تأسیس اداره نمیدهد و در صورت این مجله بخصوص منافعی بیشتر است تا اینکه در روزنامه های مجلی درج شود .

رئیس سرای گرفته میشود پیشنهاد آقای کازرونی و آقای اعتبار الدوله آقایان موافقین قیام فرمایند . (چند نفری قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای شیروانی . (اجازه)

(شرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده هفدهم بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده هفدهم - کسانی که یک علامت صنعتی را مطابق مواد این قانون بنحو انحصار میدهند مکلف هستند که در ظرف ۳ ماه عین آنرا در یکی از جراید مجلی انتشار بدهند .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - آقای حاج عبدالملك گویا هرايش بنده را گوش ندادند اولاً اینکه فرمودند نذر این بودجه چیزی منظور نخواهد آمد اینطور نیست الا که وسط سال واقع شده ایم زانند بر تشکیلات و زانند بر بودجه مبلنی منظور و اضافه شده و بالاخره تشکیلات میدهند و اضافه میکنند و اینجا می آورند و چنانچه هم تصویب میفرمایند .

اما اینکه میفرمایند خرجش باندازه درج در جرائد میشود اینطور نیست بنده اینطور پیشنهاد کردم که شاید برای دولت یکشاهی هم خرج نداشته باشد پیش نهاد آقای کازرونی هم شاید بگذردی تعجیل بر بودجه بود برای اینکه مجله که در وزارت فواید عامه تأسیس شده بود سالی سه چهار هزار تومان بودجه داشت برای سه چهار فقره اعلانی که در آن مجله میشد و در صورتیکه دولت این مجله را تأسیس کند همین مبلغها تمام میشود .

ولی برای کسیکه این علامت را می- گیرد بنده از قیمت اعلانات مطلع هستم یک همجو اعلانی بیش از دو تومان خرج ندارد او خودش قبول میکند میده طبع میکنند و انتشار پیدا میکنند .

و اینکه فرمودند یک تاجری باید تمام جرائد را آویزده شود این را هم مجبور نیست ممکن است روزنامه را پنجشاهی بخرد و کند بخصوص حالا که در مملکت ما راه اقتصاد را خوب بلد شده اند یکشاهی میدهند می خوانند و پس از خواندن پس میدهند .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شیروانی .

آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (ممدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای رئیسالتجار (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۷ بشرح ذیل اصلاح شود .

دریک قسمت از مجله ماهیانه کوزارت تجارت و فلاحه و فواید عامه انتشار خواهند داد علامات صنعتی و تجارتي اجازه داده شده با معلومات لازمه و اعلانات واحكام قضائی راجع بانهارا و بملوه الی آخر .

رئیس - آقای رئیسالتجار (اجازه)

رئیسالتجار - مجله نانهی که در این مملکت منتشر میشد همان چند قسمتی بود که در زمان وزارت فواید عامه آقای هلائی در آن مجله انتشار داشت و خیلی بحال تجارت و زراعت مقید بود و بنده چند دفعه با آقای وزیر فواید عامه مذاکره کردم شاید اقدام کنند باز آن ترتیب بشود و بنده عقیده دارم اگر همان مجله منتشر شود دیگر محتاج به مجله جدا گانه نخواهیم بود باین جهت پیشنهاد کردم که نوشته شود در یک قسمت از همان مجله این مطالب منتشر شود .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند . (عده کافی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه شد . پیشنهاد آقای مشار اعظم - پیشنهاد بنده همان مطلبی است که آقای رئیسالتجار پیشنهاد کرده اند .

رئیس - پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا است .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج انتشار تعجیلی بر بودجه نخواهد شد ممدودی .

پیشنهاد آقای میرزا - پس از آنکه پیشنهاد آقای رئیسالتجار قابل توجه شد دیگر بنده چندان علاقه مند نیستم توضیح بدهم .

رئیس - پیشنهاد آقای عبدالملك (شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده اعلانات واحكام صنعتی و تجارتي را که مجله از محل عایدات علامت صنعتی خواهد بود .

مدیر الملك .

رئیس - آقای عبدالملك (اجازه)

مدیر الملك - بمقیده بنده با مذاکراتی که شد لزوم انتشار علامت صنعتی را آقایان منتقد بودند منتهی عقاید مختلف بود بعضیها برای اینکه بودجه اضافه نشود بعضی از آقایان برای اینکه در وزارت فواید عامه بازرگ تشکیلاتی داده نشود عقیده شان این بود که در جراید و روزنامه های بومیه صاحبان علامت اعلانی خودشان را درج کنند بنده برای اینکه هر دو نظریه را منظور کرده باشم این پیشنهاد را کردم که اگر تا حدیست که مجله از همان عایدات علامت صنعتی اداره شود عیبی ندارد هر چه مجلات روزنامه ها اگر چه در وزارتخانهها زیاد شود البته مفید است ولی اگر غیر مقصود اضافه مخارج و تعجیل است البته نباید باشد .

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند . (دو سه نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای بهجانی . (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد مینامم برای رعایت تقییل مخارج بجای ماده هفدهم این قسم تصویب شود اعلان علامات صنعتی و تجارتي تا زمانیکه روزنامه رسمی منتشر نشود بهمه یکی از جراید مرکزی خواهد بود که قبلا وزارت فلاحه و تجارت رسمیت مندرجات آن جراید را اعلان نموده باشد .

رئیس - آقای بهجانی (اجازه)

آقای میرزا سید احمد بهجانی - بنده تصور میکنم همین ترتیبی که مذاکره شد تشکیل یک اداره روزنامه امروز تناسب با اقتصادیات دولت ندارد و آن پیشنهادی هم که از طرف آقای رئیسالتجار شد و قابل توجه گردید راجع بیک روزنامه است که هنوز اساس آن روزنامه تأسیس نشده است و از این گذشته یک روزنامه دیگری در این مجلس در سابق تصویب شده که باید آن روزنامه هم منتشر شود علی السبیل بواسطه هواقی که هست تا اکنون منتشر نشده است .

اینگونه از امور باید در آن روزنامه منتشر شود و چون آن روزنامه رسمی هنوز منتشر نشده است بنده پیشنهاد کردم که بیکدی از آن روزنامه ها را قیلا وزیر رسمیت اوراد رباب اعلانات اعلام کند و اعلانات راجع بعلامت صنعتی را مو کول بآن روزنامه نماید .

رئیس - آقای ضیاء الواعظین .

(اجازه)

ضیاء الواعظین - نظر آقای بهجانی در این موضوع اینست که یک روزنامه را وزیر فواید عامه در نظر بگیرد و رسمیتش را اعلام کند البته نقطه نظر ایشان بتقلیل مخارج است ولی بنده توجه خاطر ایشانرا مخصوصاً باین قسمت جلب میکنم که

همان هم برای وزارت فواید عامه مستلزم خرجست یک روزنامه حاضر میشود مطالب وزارتخانه را درج کنند که خرجش از طرف وزارتخانه داده شود و این خرج از دو قسم خارج نیست یا از روی قیمت اعلان سطر شمارست که این یک ترتیب و قانون مخصوصی بین آقایان ارباب جرائد دارد که اگر حساب کنیم از روی سطر شمارای فرضاً هم سطرهای پنجشاهی قائل هویم برای اینگونه اعلانات با خرجش زیاد تر است از خرج یک مجله و بملوه اعتبار هلائی صنعتی و تجارتي همان اعتباری که مخصوصاً در نظر آقای کازرونی خیلی مست است بنظر بنده آن اعتبار اجل از اینست که در یک روزنامه مجلی درج شود بلکه باید وزارت فواید عامه یک مجله داشته باشد که علامات صنعتی در آن درج شود و در خارج و داخله منتشر گردد .

ایشان در تجارت یک اطلاعات عمیق دارند وقتی که گفته میشود علامات صنعتی و تجارتي نباید نظرشان بیک ستاره روی کبریت بفتقداید نظرشان بیاید هلامانی که روی صندوقهای تریاک از طرف تاجر گذارده میشود . یک تاجر زحمت میکشد یک تریاک خوب تهیه میکند بدون تقلب و این تریاک را میفروشد در بازار دنیا رواج پیدا کند دیگری اگر آمد و این علامت را روی جنشش گذارد که بر از کتجه باشد آنوقت این تریاک هم اعتبار تاجر و هم اعتبار مملکت را در بازار دنیا میبرد و در خارج میکوبند این مردم چقدر متقلب هستند که یک تریاک را در بازار علامت صنعتی و تجارتي روی مال- التجاره تریاک و حنا و سایر قسمتهای دیگر در این قسمت اجل از اینست که ما یک روزنامه مخصوصی را در نظر بگیریم و پیشنهاد آقای رئیسالتجار و مشار اعظم هم در این موضوع قابل توجه شد که مجله را که وزارت فواید عامه راجع بتجارت و فلاحه منتشر میکردند است یک فصل مخصوصی هم راجع بعلامت صنعتی و تجارتي ماهیانه منتشر کند .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بهجانی . آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند . (جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای تهرانی .

طهرانی - نظریه بنده هم همان بود مسترد میدارم .

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده هفدهم اینطور اصلاح شود : وزارت تجارت طرح و علامت صنعتی و تجارتي را با اضافه معلومات لازمه و اعلانات واحكام قضائی راجع بآنها در روزنامه رسمی مصوبه مجلس شورای ملی انتشار خواهد داد . م . م . ع . کازرونی .

جمعی از نمایندگان - رد شد .

رئیس - ماده هجدهم . (بمضمون آتی قرائت شد)

ماده هجدهم - طریق اجرای این قانون بموجب نظامنامه مخصوصی که بتصویب هیئت دولت میرسد معین خواهد شد .

رئیس - مخالفی ندارد ؟

تقدیرین - آقای ممدودی میرزا پیشنهاد خودشان را مسترد کردند بنده که مسترد نکردم .

رئیس - مال آقای مدیر الملك بود که رد شد .

تقدیرین - اگر پیشنهاد ما همه خوانده شده بود بنده هم توضیح میدادم شاید رد نمیشد .

رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده بطریق ذیل اضافه شود:

وزارت تجارت علامات صنعتی و تجارتي را الی آخر . در روزنامه رسمی که بتصویب مجلس رسیده درج نماید .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض میکنم از نقطه نظر تقابل بودجه اقباب آقایان فرمایشاتی میفرمایند چون روزنامه رسمی بتصویب مجلس رسیده و باید منتشر شود (مگر اینکه در تانی یک لایحه بمجلس بیاید و او را لغو کند) بنظر بنده در روزنامه لازم نیست یکی از مواد آن هم اینست که اعلانات و فرامین دولتی در آن درج شود و بنا بر این اعلانات راجع بعلامات صنعتی و تجارتي تمسکست بهمان روزنامه داده شود چون سایر اعلانات دولتی باید بهمان روزنامه داده شود ممکن است این را هم بدهند بهمان روزنامه درج کنند و دیگر هر روز یک بودجه برای یک وزارتخانه درست نکنند اینست عقیده بنده .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب . آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده فیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای طهرانی .

طهرانی - نظریه بنده هم همان بود مسترد میدارم .

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده هفدهم اینطور اصلاح شود : وزارت تجارت طرح و علامت صنعتی و تجارتي را با اضافه معلومات لازمه و اعلانات واحكام قضائی راجع بآنها در روزنامه رسمی مصوبه مجلس شورای ملی انتشار خواهد داد . م . م . ع . کازرونی .

جمعی از نمایندگان - رد شد .

رئیس - ماده هجدهم . (بمضمون آتی قرائت شد)

ماده هجدهم - طریق اجرای این قانون بموجب نظامنامه مخصوصی که بتصویب هیئت دولت میرسد معین خواهد شد .

رئیس - مخالفی ندارد ؟

بعضی از نمایندگان - خبر .

رئیس - رأی میگیریم : آقایانیکه ماده هجدهم را تصویب میکنند قیام نمایند . (جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده نوزدهم :

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده نوزدهم - وزارت تجارت و عدلیه و داخله و خارجه و مالیه هر یک در قسمت راجعه بخود مأمور اجرای این قانون میباشد .

رئیس - ایرادی ندارد ؟ (گفتند خیر)

رئیس - رأی میگیریم ماده نوزدهم . آقایانی که ماده نوزدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند . (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . سعاده مراجعه شده است بکمیسیون پس از آنکه راپرت آن رسید مطرح میشود .

وزیر مالیه - چند فقره لایحه پیشنهاد و تقدیم مجلس شورای ملی میکنم بیکدی از آنها راجعست ببر قراری مبلغ مخصری درباره با زمانه گان یک نفر از مستخدمین مالیه که چندی قبل در ضمن خدمت کشته شده چون مطابق قانون استخدام چیزی درباره آن وزارت مالیه نمی توانست برقرار کند ناچار بمجلس پیشنهاد شد فقره دیگر هم راجع است با اجازه احتساب حقوق دیوانی بعضی از سادات که در آذربایجان هستند چون مردمان فقیر پریشانی هستند در ازاه مالیاتی که باید بدهند و این یک ترتیب خاصی است که دولت بدون تصویب مجلس نمیتواند مصوب کند لهذا اینرا هم پیشنهاد میکنم .

لا یحه آخری راجعست بیک دوازدهم از بودجه . سه ماهه برای مخارج برج سبیله هر چند ترتیب بودجه کل مملکتی از طرف دولت داده شده است و هن فریب در کمیسیون بودجه شاید بین آقایان اعضاء محترم کمیسیون هم توافق نظر حاصل شود ولی نظر باینکه ختم عمل بودجه ها شاید در کمیسیون و مجلس چندی طول بکشد برای اینکه کارهای ادارات دچار وقفه نشود ناچار این پیشنهاد تقدیم شد .

رئیس - هر سه فقره مراجعه میشود بکمیسیون بودجه .

آقای حائری زاده . (اجازه)

حائری زاده - بنده خواستم چون عرض این لایحه میبزی که دوره گذشته در آن شورش شده و این دوره هم از طرف آقایان و کلا مراجعه شده است بکمیسیون و برای اینکه دولت هنوز نظریه اشرا اظهار ننموده بمجلس نیامده است و در آنجا مطلقاً مانده خوبست ترتیبی بفرمایند که این لایحه زودتر بمجلس بیاید و مردم راحت شوند .

وزیر مالیه - در این باب غفلت نشده و آن لایحه حاضر است عن قرب تقدیم مجلس شورای ملی میشود

رئیس - اجازه میفرمائید جلسه ختم شود

رئیس - جمعی از نمایندگان - صحیح است. پیشنهاد کرده اند جلسه طرف صبر باشد

محمد شاه میرزا شیخ الرئیس بنده مخالف

رئیس - بفرمائید

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد

شیخ الرئیس - هر مطلبی که عنوان میشود الا يك نفر مخالفت باید مخالفت خود را اظهار نماید - مذاکره نکرده که نمی شود رأی گرفت

بعد از این زمستان برف و سرما و فیره هست و شبها هوا تاریکست و بمناسبت دیر آمدن آقایان نمایندگان مکرر تجربه کرده ایم یکساعت و نیم بفرود تشریف می آورند و باید تا ساعت چهار از شب گذشته اینجا باشیم بعضی از آقایان نمایندگان منازلشان دور است مثلا آخر شهر است در آن موقع شب در شبکه و وسائط نقلیه هم نیست وقتی تمام اینها در نظر بگیریم تصدیق می فرمائید که همان صبح بهتر است و بلازم بعضی از مستخدمین صبحرا تا یکساعت بعد از ظهر در مجلسند آنوقت باید تا ساعت چهار از شب هم کار کنند

رئیس - رأی میگیریم برای عصر آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

جلسه آتی روز پنجشنبه و نیم قبل از ظهر - دستور - اول لایحه و وسائط نقلیه - ثانیاً راپرت کمیسیون عدلیه راجع باختیارات آن کمیسیون

تالان خیر کمیسیون بودجه راجع به شهریه مجده السلطان

آقای محمد ولی میرزا - عرضی ندارم (اجازه)

محمد ولی میرزا - عرضی ندارم. رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - بنده میخواستم عرض کنم لایحه اوزان و مقادیر از کمیسیون فوائد عامه گذشته مقرر بفرمائید جزء دستور شود

مقرر حسن ملک النجار - رئیس - عده يك نفر کسر دارد - می ماند برای جلسه آتی (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملك منشی معظم السلطان منشی ۲ - شهاب

یاسائی - میخواستم تقاضا کنم راپرت کمیسیون عدلیه مقدم باشد سایر فقرات دستور جلسه آتی

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - آقای اعتبار الدوله (اجازه)

اعتبار الدوله - بنده درسه جلسه قبل راجع بخیر کمیسیون بودجه در خصوص ورثه حسین نظریه استدعا کردم جزء دستور شود در جلسه بعد هم آقای تدین تقاضا کردند خبر کمیسیون بودجه راجع بصواب گمرک جزء دستور شود و جزء تورهم شدو حالا که دستور را اعلام فرمودید لایحه که راجع بمجدد السلطان بود فرائت فرمودید و آن دوفقره جزء دستور گذاشته نشد لهذا استدعا میکنم این دو لایحه در دستور مقدم باشد

رئیس - میخواهید مقدم باشد در اول جلسه آتی پیشنهاد کنید رأی گرفته شود

آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ وجهه مدعی طهرانی - بنده تقاضا می کنم که امر بفرمائید آقایان وزراء برای جواب سؤالات آقایان نمایندگان حاضر شوند

بعضی از آقایان وزراء برای جواب سؤالات حاضر نمی شوند با اصلا خوبست سؤالات نشود یا اینکه برای جواب حاضر شوند چون بعضی از سؤالات يك ماه و نیم دو ماه طول کشیده و هنوز جواب نداده اند

رئیس - باز هم آقایان وزراء تذکر داده میشود

آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام - استدعا میکنم خبر کمیسیون عرایض راجع به برخی بنده فرائت شود

رئیس - فرائت میشود (بعضیون ذیل خوانده شد)

آقای قائم مقام نماینده محترم آذربایجان مجدداً استعجازه چهل روز مرخصی نموده و برای تصفیه امورات شخصی باذربایجان این مسافرت را حتمی و ضروری دانسته اند کمیسیون پس از مشاوره يك ماهه غیبت ایشانرا تصویب می نماید که با اجازه ثبت شود تاریخ مرخصی از روز چهارم محاسب خواهد بود

مقرر حسن ملک النجار - رئیس - عده يك نفر کسر دارد - می ماند برای جلسه آتی (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملك منشی معظم السلطان منشی ۲ - شهاب

صورت مشروح مجلس یوم پنج شنبه دهم میزان ۱۳۰۳ مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۴۳

مجلس دوساعت و سربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم سه شنبه هشتم میزان را آقای میرزا شهاب فرائت نمودند

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده در صورت مجلس عرض ندارم قبل از دستور عرضی داشتم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده قبل از دستور عرضی داشتم

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟ (مخالفی نشد)

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - اهمیت لزوم ترویج و بسط معارف باندازه در افکار و آذهان ثابت است که محتاج بتوضیح نیست و تقریباً بحث در این موضوع مثل بحث در دینیهیات است فقط بعضی که هست در طریق تحصیل بسط معارف است در بین مردم طریقی که عجالتاً معمول و عادی ماست چند قسم است یکی طریقی است که در مدارس قدیمه تحصیل میشود که وضع شده برای علوم دنیائی اما متأسفانه مدارس قدیمه يك صورت خرابی بخودش گرفته و در اقبال از این مدارس تحصیلات خیلی کم و طلبه محصل کمتر دیده میشود - البته راجع باین قسمت باید توجهی از طرف اداره اوقاف بشود که همانطور که لازم میدانید صورت مدارس جدید را درست کنند همان طور هم خود را موظف بدانند که آبادی معنوی برای برای مدارس قدیمه تحصیل کنند که طلاب محصل و مدرسین لایق مشغول شده و بکار واداشته شوند - قسمت دوم تحصیل معارف و بسط معارف است بطور کلاسیک که ما امروز يك عده از آن مدارس را داریم لکن متأسفانه آنها هم ناقصند چرا؟ برای آنکه وقتی حساب کنیم مدارس مرکز و ولایات خیلی کم و اگر بیوکات و دهات و ایلات را حساب کنیم تقریباً بهره هزار نفر يك مدرسه دو کلاسه میرسد البته این قسمت هم باید مورد توجه وزارت معارف واقع شده و توسعه داده شود بلازم تحصیلاتی که در مدارس کلاسیکی میشود همه تصدیق دارند که يك تحصیلات سطحی و معقولاتی است که يك اندک ففلیتی فراموش می شود و اصلاً آثارش هم از ذهن محصل بیرون می رود طریقه سومى را که ممکن است

داشته باشیم آن طریقه عملی است و آن از راه مطبوعات و کتب است متأسفانه این قسمت را هم مافاقدیم چرا؟ برای اینکه مطبوعات ما دارای مقالات علمی نیستند و ابداً هم درصدد این نیستند که مقالات علمی بنویسند و حق هم با آنها است چون مدتها نوشته شده ولی مجلات و جرائد علمی دارای مقالات علمی است که مشتری دارد و منجر میشود که مدیرش ورشکست شده و روزنامه اش تعطیل بشود

پس باید دارای کتب علمی باشیم و طریقه که هر کس بتواند از آن استفاده کند

همان داشتن کتب علمی است به بختانه کتب علمیه هم کثیر بزبان فارسی ترجمه شده و اغلب بزبان های عربی - فرانسه انگلیسی - و سایر السنه خارجی است که ما فاقد دانستن آن السنه هستیم و عموماً ملت هم نمیتواند تحصیل السنه خارج را بنماید و اگر همه را مکلف کنیم که باید بزبانهای خارجی را یاد بگیرد که این وسیله تحصیل علوم گردد

البته این هم يك عمر و هرج و مرج و حکم مشکلی است و همه کس قادر باین نیست که این حکم را انجام دهد

کتاب علمیه هم کثیر بزبان فارسی نوشته شده حتی کتب فقهی و دینی هم که همگاماً محتاج آنها هستیم بزبان عربی نوشته شده است که اهل زبان ما بکلی از دانستن آن محرومند و ندانستن زبان برای ما يك سدی شده است از برای اینکه به معلومات دیگران و سایر علوم که همه دنیا را فرا گرفته است برسیم

باینجه بنده معتقدم که باید يك وسیله برای بسط معارف یعنی عمق در معارف فراهم کرد که همه کس بپهله و اصول دست رس داشته باشد که کتب را مطالعه بکنند

بهترین وسیله این است که کتب علمی را از السنه مغتله بفارسی ترجمه نمایند همه کس دست رس داشته و بهره مند شود اهم از اینکه کتب عربی یا فرانسه یا از علوم قدیمه یا جدیده باشد - باین جهت يك پیشنهادی در همین عده متخصص استخدام یا کنترات شوند و این کتب علمی که بالسنه مغتله نوشته شده و ترجماتش را دیگران کشیده و آنها را نالیف و تدوین کرده اند فقط بزحمتی عهده دار شده و آنها را بفارسی ترجمه نمایند که وسیله بشود تا عموم اهالی مملکت فارسی زبانان بتوانند از آنها بهره مند شوند

این است که تقدیم میکنم (بعضی از نمایندگان صحیح است) پیشنهاد خود را تسلیم نمودند

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین - رئیس کل مالیه ایران دکتر میلیس دو هفتین راپرت خودش که طبع و توزیع شده يك مالیه را اظهار کرده است که چون يك قسمتش مربوط به کمیسیون بودجه و برخلاف واقع است بنده از نقطه نظر کمیسیون بودجه لازم دیدم که توضیحاتی در این باب داده و خاطر محترم آقایان نمایندگان را از اصل موضوع مبسوط کنم و عرض کنم آنطوریکه در این راپرت نوشته شده بکلی برخلاف واقع است (بعضی از نمایندگان صحیح است)

از جمله موضوعاتی که راجع بکمیسیون بودجه است یکی این قسمت است که در صفحه ۱۴ از این راپرت متفرق شده می گوید:

(مادر بودجه جمع يك مالیهائى را پیش بینی کردیم که لوایحش را تقدیم مجلس کنیم که عایدات آن مالیهائى پیش بینی شده معادل يك میلیون تومان است و در ازای این مالیهائى جدید پیش بینی شده يك میلیون در بودجه خرج منظور داشتیم

آقا سید یعقوب - آنهم از برای وزارت مالیه

تدین - ولی در موقعی که لایحه کل بودجه در کمیسیون بودجه مطرح بود کمیسیون بودجه فوراً مالیهائى جدید را از بودجه حذف کرد

بنده نمیخواهم در این جا آنک با حمله یا تعرض بکنم این نظرها فارغی این را عرض میکنم این جمله که در این راپرت نوشته شده کاشف از عدم اطلاع ایشان از قانون اساسی ما بوده است بر طبق قانون اساسی مالیهات را باید مجلس شورای ملی تصویب کند

آیا کمیسیون میتواند آن لوایح را مدرک قرار بدهد؟ (جمعی از نمایندگان خیر) ما همین حرف را زدیم گفتیم ما نمیتوانیم این لایحه جدید را که شاییش پیشی گرفته اند و این مالیهائى تا سوازیل و وضع مالیهات بر معاملات و عایدات و غیره را مدرک قرار بدهیم چون مجلس شورای ملی تصویب نکرده است بنابراین مو کول است باینکه مجلس شورای تصویب کند - البته هر وقت تصویب شد جزء عایدات منظور میشود ولی ناموقی که تصویب نشده است جزء عایدات محسوب نمیشود باینجه بود که معادل يك میلیون تومان از بودجه جمع موضوع شده و ایشان میگویند چون موضوع شد یکی از علل تصویب بودجه شده است و تولید اشکالات می کند این را میخواستم عرض کنم برخلاف قانون است

آقای سید یعقوب - اطلاع از قانون ندارم

تدین در جای دیگر میگوید که

مساعدت نشد - البته آقایان مسبقند که کمیسیون بودجه منتهای مساعدت وجدیت را در موضوعات بودجه کرده و هیچ کوتاهی نکرده بلکه کمال مساعدت را هم کرده است نهایت چیزیکه بوده این است که بودجه مالیه طوری تنظیم شده بود که کمیسیون به آن ترتیب نمی توانست بپذیرد و آن عبارت از این بود که مطابق ماده شصت و شش قانون استخدام باید مبدأ رتبه از ابتدای اجرای قانون استخدام تعیین داده شود و حقوقی هم که بستند تعیین داده میشود باید بر طبق همان ترتیبی باشد که در قانون استخدام منظور شده ولی در بودجه وزارت مالیه اینطور نبوده و نیست صورت جزئی در کمیسیون بودجه است (بعضی از نمایندگان صحیح است)

ماخذ را حقوق سابق فرار داده اند مثلا قبل از قانون استخدام اگر فلان رتبه سیصد تومان یا چهار صد تومان یاد رسد در پنجاه تومان حقوق داشته است ماخذ همان حقوق سابق قرار داده اند و باینکه کم و زیادى برایش ترتیبی کرده اند مثلا اشخاصی بوده اند که بیشتر از سیصد تومان حقوق داشته اند و از نقطه نظر قانون استخدام میبایستی مبدأ رتبه شان تعیین شود در ابتدا آنها شغلی که دارای رتبه اعلی اش داشته اند مثلا توضیح میدهم این اشخاص دارای يك مشاغل بوده اند که تطبیق نمی شده است با آخرین رتبه قانون استخدام که مدبری کل باشد ولی حقوقشان از حد اعلای مدبری کل هم بیشتر بوده است آنوقت آمده اند در اینجهان حقوق را ماخذ قرار داده اند و میگویند این شخص ماون اداره است بارتبه مدبری کل و حقوق سیصد دوازده تومان و باین ترتیب شانزده تا مدیر کل دروزارت مالیه پیدا شده است البته بر حسب تصمیمی که کمیسیون بودجه گرفت میده رتبه یا مبدع خدمت فرق دارد و میده رتبه از ابتدای اجرای قانون استخدام تشخیص میشود ولی میده خدمت قبل از ۹۹ است بنابراین این در حین اجرای قانون استخدام هر کسی دارای هر شغلی که بوده است آن شخص را باید تطبیق کرد باین رتبه های نه گانه و گفت این رتبه قانونی این مستخدم است ولی این ترتیب دروزارت مالیه نشده است و باین ملاحظه مبلغ گزاف بر بودجه وزارت مالیه افزوده شده است و چون کمیسیون بودجه نمیتوانست این قسمت را قبول کند از مسالمت و صدق و صفا حتی از در مسامحه درآمد و چندین کمیسیون جزء تشکیل داد و چندین مرتبه کمیسیون بطور خصوصی تشکیل شد و مذاکرات شفاهی کرد و بالاخره فایده بخشید معذک بیشتر از این در این قسمت میخواهم وارد شوم و بطور کلی عرض میکنم که

کمیسیون بودجه منتهای مساعدت را کرده ولی از حدود قانونی نمیتوانست تجاوز کند و همچنین مجلس شورای ملی هم تصور میکند بلکه یقین کامل دارم تاکنون کمال مساعدت را با کمیسیون امریکائی کرده است (نمایندگان صحیح است)

بنابراین قسمتهائی که در اینجا راجع به مجلس است آقایان بن حق خواهند داد که بگویم اینها برخلاف واقع است (نمایندگان صحیح است) و مجلس تاکنون مخالفتی نکرده و تجدیدی نکرده است و اگر بنده این عرایض را اینجا از نقطه نظر کمیسیون نمیکردم و سکوت میکردم ممکن بود این سکوت تصدیق فرض شود باینجه لازم بود که عرض کنم این مسائل بر خلاف واقع بوده است (جمعی از نمایندگان صحیح است)

آقا سید یعقوب - راپرتش را هم باید پس داد

رئیس - آقای ضیاء الواعظین ضیاء الواعظین - بنده علاوه میکنم بفرمایشات آقای شریعتی مدار موضوع کتابخانه مجلس را که مدتی است مؤسسه اش معین شده و نمیدانم چطور شده که هیئت محترم رتبه و هیئت مباشرت هنوز لوازم تأسیس و سایر ترتیباتش را فراهم نیاورده اند و حال آنکه مملکت فوق العاده محتاج يك کتابخانه مهم اساسی است

رئیس آقای شبروانی (اجازه)

شبروانی - البته آقایان تصدیق میفرمائید که عده کارهای پارلمانی باید در کمیسیونها بشود و تقریباً مدت عمر کمیسیونها خاتمه پیدا کرده است و اخیراً بنده بيکی از مواد نظامنامه برخورددم و يك جمله را حضور مبارك آقایان عرض میکنم و آن يك قسمت از ماده بیست و پنج نظامنامه داخلی است که میگوید - تمام کمیسیونهای ماده ۱۰ باید دو ماه بدو ماه صورتی از خلاصه اعمال خودشان در مجلس علنی تقدیم نمایند و صورت مزبوره در روزنامه رسمی طبع خواهد شد بنده غیر از بيکی دوتا کمیسیون که در این مدت سه چهار لایحه تقدیم مجلس کرده اند از سایر کمیسیونها هیچ اطلاعی ندارم که چه کرده اند - کمیسیون داغله - کمیسیون نظام و کمیسیون قوانین مالیه ما که لوایح مهمی باین کمیسیونها مراجعه شده و هنوز راپرتی از آنها نرسیده است در کمیسیون داغله لایحه سجل احوال در کمیسیون قوانین مالیه لایحه ممیزی در کمیسیون لایحه نظام اجباری رفته و به هیئت معطل مانده و از این قبیل قوانین مهم خیلی است که معطل مانده است لهذا خواستم ببینم چطور شده که دو ماه این راپرت ها داده نشده است و آیا بعد از ۶ ماه این کمیسیونها چه کرده اند

انجات - هیچ کار حاج عز الممالک - بنده پیشنهاد میکنم وارد دستور شوم

انجات - جواب بدهند کمیسیون ها چه کرده اند؟

رئیس - این مذاکرات را خوب است بگذارید برای آخر جلسه

آقای سید یعقوب - آخر وقت وقت موقوف نهار خوردن است کسی نمیتواند گوش بدهد

(پیشنهادی از طرف آقای اعتبار - الدوله بشرح آتی فرائت شد)

چون ورثه حسین آژان و محمد علی سوار گمرک فوق العاده پریشان و مستاصل هستند مدتی هم میگذرد که کمیسیون بودجه شهریه آنها را تصویب و خیرش را ب مجلس تقدیم داشته بند. پیشنهاد میکنم که مقدم بردستور مطرح شود

رئیس - راپرت این دو فقره عجالتاً حاضر نیست وقتی حاضر شد جزو دستور میشود بالفعل لایحه وسائط نقلیه مطرح است ماده اول لایحه فوق بشرح ذیل فرائت شد ماده ۱ - از کلیه وسائط نقلیه شهری در تهران برقرار ذیل مالیهات ماهیانه دریافت خواهد شد

در شبکه کرایه با چرخ رزین ۱۰ قران

در شبکه کرایه با چرخ آهن ۲۰ قران

در شبکه ارابایی با چرخ رزین ۲۰ قران

در شبکه ارابایی با چرخ آهن ۳۰ ریال

اتومبیل ارابایی ۷۰ قران

اتومبیل کرایه ۵۰ قران

کالسکه ارابایی با چرخ رزین ۳۵ قران

کالسکه ارابایی با چرخ آهن ۴۰ قران

دو چرخه يك اسبه با چرخ رزین ۱۰ قران

دو چرخه يك اسبه با چرخ آهن ۲۰ قران

دو چرخه يك اسبه با چرخ آهن ۴۰ قران

چهار چرخه بارکش ۱۰ قران

دو چرخه بارکش يك اسبه ۵ قران

دلیجان و امنیوس ۴۰ قران

اتومبیل بارکش (کامیون) ۱۰ قران

گاری ۴۰ قران

بیسیکلت ۵ قران

موتوسیکلت ۱۰ قران

اسب و قاطر و مادیان و شتر ۲۰ قران

الایح سواری ۲ قران

الایح باری ۱ قران

رئیس آقای دامغانی (اجازه)